

## بیانیه پلنوم کمیته مرکزی

## حزب کمونیست ایران

## در مورد خیزش آبان ماه ۹۸ و پیامدهای سیاسی آن

رژیم جمهوری اسلامی با اعلام و اجرای همزمان افزایش قیمت بنزین در روز ۲۴ آبان و غافلگیر کردن توده های مردم عملاً تهیدستان شهری و جوانان عاصی از فقر و بیکاری را به قیام کشاند تا با نقشه ای از قبل آماده شده قیام آنان را در همان لحظات اول به گونه ای خونین در هم کوبد. جمهوری اسلامی می خواست تا یک روزه آتش خشم فروخورده محرومان را خاموش کند و به آنچه "غائله آشوبگران" می خواند پایان دهد. اما طغیان این تهیدستان به حاشیه رانده شده و سرعت خیره کننده سراسری شدن خیزش آنان لرزه مرگ بر اندام جمهوری اسلامی انداخت، محاسبات رژیم را در هم ریخت و بار دیگر نشان داد که چه تحول تاریخی شگرفی در ایران در حال تکوین است. خیزش آبان و گسترش صاعقه آسای موج خروشان آن به بیش از صد و پنجاه شهر ایران یک پدیده ناگهانی و ابتدا به ساکن نبود. بحران ساختاری سرمایه داری ایران و پیامدهای ویرانگر سیاست های نئولیبرالیسم اقتصادی در آمیخته با ساختار حاکمیت مذهب و فساد و رانت خواری و ابعاد بی سابقه فقر و فلاکت اقتصادی و محرومیت های اجتماعی که به اکثریت مردم ایران تحمیل شده بود، از مدت ها قبل زمینه های عینی این شورش اجتماعی را فراهم آورده بود. باز گشت دوباره و تشدید تحریم های اقتصادی، سقوط ارزش ریال و کاهش شدید قدرت خرید کارگران و توده های محروم جامعه این زمینه ها را تشدید کرده و روند رو به گسترش اعتصابات و اعتراضات کارگران، مبارزات سراسری معلمان و بازنشستگان، عروج دوباره جنبش دانشجویی و حضور پرشور زنان در این مبارزات، امکان بروز آن را قطعیت بخشید.

نیروهای سرکوبگر رژیم مطابق طرح و نقشه از قبل آماده شده راه هر گونه شکل گیری تجمع های اعتراضی و تظاهرات خیابانی را مسدود کرده و در بسیاری از شهرهایی که قانون این اعتراضات بودند در همان لحظات اول،



گزارش برگزاری پلنوم هشتم  
کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران



### اطلاعیه کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

در مورد نمایش یازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

### اطلاعیه کمیته مرکزی کومه له

درباره لزوم رسوا کردن نمایش انتخاباتی رژیم در کردستان

## حضور چشمگیر زنان در خیزش توده ای اخیر!



حداقل دستمزد سال ۹۹ کارگران  
در سایه اوضاع سیاسی پرتلاطم ایران



تزهایی برای سازمانیابی هسته های سوسیالیستی

## "کودتا از پایین"

«مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه، چه رهبر!»، «نه رفرا ندوم، نه اصلاح، اعتصاب، انقلاب!»

طلبان حکومتی را سرعت می بخشد. با تشدید بحران اقتصادی طبقه متوسط که پایه اجتماعی اصلاح طلبان حکومتی محسوب می شود در حال تجزیه شدن هستند و بخش هایی از آن به موقعیت طبقات پایین جامعه سرازیر می شوند. در عرصه سیاسی تحت تأثیر خیزش های توده ای و بروز شکاف در رهبری آنها لایه های پایین اصلاح طلبان حکومتی که به استراتژی اصلاح رژیم متوهم بودند به اعتراضات جاری پیوسته اند، بخش هایی از آن به اپوزیسیون بورژوا لیبرال پرو غرب بیرون از حکومت گرایش پیدا کرده اند. این تحولات نشان می دهند روند ریزش پایه اجتماعی رژیم سرعت گرفته است.

خیزش آبان در بعد اجتماعی استراتژی سیاسی آن بخش از اپوزیسیون بورژوایی ایران که بر گذار مسالمت آمیز از جمهوری اسلامی تأکید می کنند را مورد نقد قرار داد. اگر خیزش دی ماه ۹۶ با شعار "اصلاح طلب، اصول گرا، دیگه تمامه ماجرا" به بیش از دو دهه سلطه گفتمان اصلاح طلبان حکومتی بر فضای سیاسی ایران پایان داد، خیزش آبان ماه نیز به گفتمان گذار مسالمت آمیز و ضدیت با انقلاب تحت عنوان مرزبندی با خشونت ضربه کاری وارد آورد. استراتژی سیاسی و راهکار این بخش از اپوزیسیون بورژوایی تحت عنوان برگزاری رفراندوم قانون اساسی، برگزاری انتخابات آزاد، برای نقل و انتقال قدرت از بالای سر توده ها بیش از پیش رنگ باخت. بکار گرفتن این ابعاد از قهر عریان حاکمان دین و سرمایه در برابر اعتراض برحق تهیدستان و جوانان بیکار و به یاری طلبیدن فقط گوشه ای از قهر انقلاب از جانب معترضان در مقابله با قهر ضدانقلاب حاکم بیش از پیش به ضرورت کسب آمادگی برای گذار انقلابی و استفاده از قهر انقلابی برای به زیر کشیدن دشمن تا چنگ و دندان مسلح مقبولیت اجتماعی می بخشد. با آشکار شدن بن بست استراتژی گذار مسالمت آمیز زمینه جهت پیشروی استراتژی سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی متکی به جنبش کارگری و دیگر جنبش های پیشرو اجتماعی به عنوان عملی انقلابی برای سلب قدرت سیاسی و اقتصادی از بورژوازی بیشتر فراهم می شود.

خیزش آبان، تهیدستان شهری و جوانان بیکار و به حاشیه رانده شده گان را در شهرهای بزرگ و کوچک ایران همزمان به حرکت در آورد. شهرهای کردستان، خوزستان که در خیزش دی ماه ۹۶ تا حدودی از حرکت سراسری جدا افتادند در خیزش آبان ماه از همان ابتدا حضور پر رنگی در اعتراضات داشتند.

در کردستان نیز شدت عمل نیروهای

سیاسی چگونه به محرک های نیرومندی برای مبارزه اقتصادی و سیاسی تبدیل می شوند و میل درونی کارگران را برای مبارزه شدت می بخشند.

خیزش سراسری آبان بار دیگر پتانسیل مبارزاتی نهفته در مناطق حاشیه شهرها که عمدتاً خانواده های کارگری و تهیدستان شهری در آن ساکن هستند و از محرومیت های شدید اقتصادی و اجتماعی و فقدان خدمات شهری رنج می برند را نشان داد. تردیدی نیست که تداوم روند رو به گسترش اعتراضات و اعتصابات در مراکز بزرگ کارگری و وجود جنبش های اعتراضی و نقش فعالین در رهبری این اعتراضات که با ده ها رشته با تهیدستان حاشیه شهرها پیوند دارند در ایجاد زمینه های ذهنی برپائی این شورش مؤثر واقع شده اند. تجربه خیزش سراسری آبان ماه و حضور جوانان و مردم کارگر و زحمتکش در این اعتراضات و همبستگی شورانگیز آنان در مقابله با نیروهای سرکوبگر نشان دهنده آن است ترسی که حکومت به پشتوانه ماشین سرکوب در دل ها افکنده جای خود را به خشم و همبستگی و مقاومت داده است. این تحول زمینه های مناسبی را برای گام نهادن در جهت ایجاد شبکه های ارتباطی و مبارزاتی رهبران محلی و ایجاد نهادهای توده ای و شورایی به عنوان ارگان مبارزاتی در این محلات فراهم آورده است.

خیزش انقلابی آبان ماه و ابعاد جنایات و کشتار سازمان یافته ای که نیروهای سرکوبگر رژیم علیه شهروندان معترض انجام دادند ضدیت هیئت حاکمه با مردم را به مرز آشتی ناپذیری رسانده است. سران رژیم جمهوری اسلامی با اشرار و اغتشاشگر نامیدن شهروندان بسته آمده از فقر و بیکاری و به گلوله بستن آنان، ترس و وحشت عمیق خود از گسترش و تعمیق اعتراضات را نمایان ساختند. این رژیم جنایتکار که هیچگاه مشروعیتی نداشته اینبار فقط با تکیه بر سرنیزه و قهر عریان می تواند به حاکمیت خود ادامه دهد.

بعد از خیزش آبان ماه و از آنجا که به کار گرفتن قهر عریان در مناسبات با مردم معترض گزینه اصلی جمهوری اسلامی بوده است، آرایش سیاسی نیروهای موجود در ساختار حکومت چهره نظامی تری بخود خواهد گرفت و فرماندهان سپاه بیشتر به جلو صحنه خواهند آمد. خیزش آبان به عنوان زنگ خطر انقلاب احتمالاً اختلافات جناح های حکومتی بر سر سازش با آمریکا به منظور پایان دادن به تحریم ها و ایجاد گشایش اقتصادی جهت نجات دولت از ورشکستگی مالی را تشدید خواهد کرد. این خیزش همچنین روند تجزیه اصلاح

جنگ و گریز خیابانی را به معترضان تحمیل کردند. از آنجا که نیروهای سرکوبگر از همان لحظات اول سر و سینه معترضان را نشانه گرفتند و جوی خون راه انداختند، معترضان هم راهی نداشتند جز اینکه با هر وسیله ای که در دست داشتند به مقابله برخیزند. در حالی که معترضان نه تدارکی دیده بودند و نه آمادگی این را داشتند که به نبرد نهایی بیاورند، اما نبوغ خود را در اتخاذ تاکتیک های مناسب نشان دادند. جوانان پرشور با تاکتیک بستن اتوبان ها، خیابان ها و چهار راه ها سعی کردند مانع تحرک سریع نیروهای سرکوبگر برای رسیدن به محل تجمع معترضان شوند و از طرف دیگر با اعتراضات موضعی در نقاط مختلف شهر نیروی دشمن را پراکنده کردند. زمانی که معترضان در مقابل دشمنی که نبردی مشابه نبرد نهایی را تحمیل کرده بود خود را بدون سلاح یافتند، با دست خالی اما سرشار از شجاعت و از خود گذشتگی به مراکز مذهبی و بانک ها این نمادهای حاکمیت دین و سرمایه حمله کردند، این مراکز را به آتش کشیدند و گوشه ای از قدرت قهر انقلابی در مقابله با قهر ضد انقلاب را به دشمن نشان دادند. درخیزش آبان عمدتاً مردم کارگر و زحمتکش حاشیه شهرها به حرکت درآمدند و کارگران مجتمع ها و مراکز بزرگ صنعتی که با مبارزات و اعتراضات پی در پی خود زمینه های ذهنی این خیزش سراسری را فراهم آورده بودند، این بار نیز فرصت نیافتند که با اعتصابات خود در مراکز تولید به شورش هم طبقه ای های خود و راهبندان خیابانی بپیوندند و این یکی از کمبودها و نقطه ضعفهای این خیزش همگانی بود. اما طبقه کارگر از تجربه خیزش آبان به اندازه سالها آموخت و درسی را که آموخته فراموش نخواهد کرد.

خیزش آبان ماه ۹۸ در ادامه خیزش دی ماه ۹۶ یک جنبش عظیم سیاسی در ابعادی گسترده تر و نیرومند تر بود که تهیدستان شهری و جوانان بیکار و به حاشیه رانده شدگان موتور حرکت آن بودند. این خیزش سراسری مانند هر جنبش نیرومند سیاسی بطور عینی توازن قوا را به نفع جنبش اعتراضی علیه رژیم تغییر داده است و زمینه مناسب تری را برای گسترش مبارزات اقتصادی و سیاسی فراهم کرده است. این خیزش سراسری دوباره زمین را برای رشد مبارزات اقتصادی و سیاسی کارگران و جنبش های اعتراضی شخم زد و تقویت کرد. این خیزش نیز مانند خیزش دی ماه گسترش مبارزات کارگران و حرکت های اعتراضی را به دنبال خواهد داشت و نشان خواهد داد که این برآمدها و موج های جوشان مبارزه



➡ سرکوبگر در به خون کشیدن این اعتراضات در شهرهای کرمانشاه، جوانرود، مریوان، بوکان و سنندج و جسارت و از خودگذشتگی معترضان در رویارویی با دشمن، بار دیگر عمق بیگانگی سیاست و استراتژی احزاب ناسیونالیست کردستان با مبارزات حق طلبانه مردم این منطقه را نشان دادند. در حالی که مردم زحمتکش کردستان در بعد اجتماعی نشان دادند که برای رهایی از چنگ جمهوری اسلامی راهی جز همبستگی با جنبش انقلابی سراسری برای به زیر کشیدن این رژیم پیش رو ندارند، این احزاب که از مدتها پیش وارد فاز مذاکره و سازش با این رژیم جنایتکار شده اند و اکنون نیز در انتظار آغاز دور بعدی گفت و گوهای خود با رژیم هستند، عملاً در مسیر جدا کردن جنبش کردستان از جنبش سراسری گام برداشته اند. خیزش انقلابی آبان ماه ۱۳۹۸ نقطه عطفی دیگر در مبارزات پرشور مردم ستمدیده ایران در مسیر سرنگونی جمهوری اسلامی بود. نیروی محرک و مبارزه جویی توده تهیدستان شهری قدرتمند تر از آن بود که صف آراییی دشمن بتواند یک روزه آن را سرکوب کند. این خیزش طی همین هفت روز، پیروزی عظیمی در مبارزه برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی را رقم زد که بدون تردید حاکمان دین و سرمایه از پیامدهای آن جان سالم بدر نخواهند برد. ایران به قبل از خیزش آبان باز نخواهد گشت.

\*\*\*

یکی از اهداف اصلی رژیم جمهوری اسلامی از کشتار معترضان در جریان خیزش آبان حاکم کردن فضای رعب و وحشت بر جامعه بویژه زهرچشم گرفتن از نسل بعد از دهه شصت بود. اما رژیم در دستیابی به این هدف شکست خورد. مردم با این سرکوب خونین نه تنها مرعوب نشدند بلکه با ابراز خشم و اعتراض خود از جنایات انجام گرفته رژیم را به وحشت انداختند. درست بعد از این جنایات سازمان و نهادهای مختلف کارگری، بازنشستگان، معلمان، نویسندگان، هنرمندان در داخل ایران طی اطلاعیه ها و بیانیه هایی این جنایات را محکوم کردند. پس از خیزش آبان اعتصابات و اعتراضات کارگری بدون وقفه ادامه پیدا کرد. جنبش دانشجویی با آکسیون های باشکوه خود در روز ۱۶ آذر و در محاصره نیروهای دشمن با بانگی رسا جنایات رژیم را محکوم کرد و اعلام کرد که جنبش آزادیخواهی در ایران مرعوب این کشتار هولناک نشده است. دانشجویان با عزمی راسخ اعلام کردند از خون جانباختگان خیزش آبان نمی گذرند و راهشان را ادامه خواهند داد. معلمان، فرهنگیان و بازنشستگان

است که جامعه به یک دوره اعتلای انقلابی و موقعیت انقلابی نزدیک می شود. کمیت پرشمار مبارزات کارگری تغییر کیفی این مبارزات را به دنبال خواهد داشت و بر همین اساس دوره اعتلای انقلابی به هیچ وجه یک پدیده ناگهانی نخواهد بود. همان شرایط سخت زندگی و تشدید فقر و فلاکت بیش از حد کارگران و اقشار فرودست جامعه، که زمینه ساز خیزش های سراسری دی ماه ۹۶ و آبان ۹۸ شد، بویژه در حالی که اعتصابات کارگری و اعتراضات اقشار محروم جامعه در جریان است می تواند در ادامه مؤلفه های ذهنی یک موقعیت انقلابی را هم فراهم آورد. دوره اعتلای انقلابی با فراگیر شدن اعتصابات کارگری و توده ای و اوج گیری روحیات انقلابی تداعی و خصلت نمائی می شود. دوره ای که طبقه کارگر راه برون رفت از این همه فقر و بدبختی را نه در چهارچوب مناسبات حاکم، بلکه از مسیر یک قیام انقلابی علیه نظم موجود جستجو کند. اگر در شرایط کنونی همزمان با خیزش انقلابی آبان و جنبش های اعتراضی با سمتگیری گذار انقلابی از جمهوری اسلامی، شاهد یک جنبش عظیم مطالباتی کارگران برای پیگیری خواسته هایشان در چهارچوب مناسبات موجود هستیم، این "تناقض" و پیچیدگی را با این واقعیت می توان توضیح داد که همه مؤلفه های عینی و ذهنی یک موقعیت انقلابی همزمان فراهم نمی شوند. اما خیزش آبان ماه دو سال بعد از خیزش دی ماه و اعتصابات و رویداد های این دوران به وضوح نشان می دهد که روحیات کارگران و مردم تغییر کرده است. این تغییر روحیه در دانشجویان، معلمان، بازنشستگان به وضوح خودش را نشان می دهد. کارگران در جریان مبارزات خود به مرحله تعرض قدم می گذارند و جامعه به یک موقعیت انقلابی نزدیک می شود. این پروسه می تواند به اعتلای انقلابی منجر گردد.

اگر یکی از پیش شرط های ذهنی وارد شدن به یک موقعیت انقلابی آن است که طبقه کارگر راه برون رفت از این همه فقر و بدبختی را نه در چهارچوب مناسبات تولیدی حاکم، بلکه از مسیر یک قیام انقلابی علیه نظم موجود جستجو کند، یکی دیگر از پیش شرط های ذهنی این است که جنبش طبقه کارگر بتواند با ➡

با برگزاری تجمع های اعتراضی و اعتصاب و تحصن در روز دوم دی ماه بر عزم خود برای پیگیری خواسته هایشان تأکید کردند. در ناحیه مریوان مراسم تشییع جنازه یک کولبر نوجوان که همراه برادرش در اثر سقوط بهمن جانشان را از دست داده بودند، به یک همایش توده ای علیه جمهوری اسلامی تبدیل گردید. همه اینها نشان می دهند که خیزش آبان ماه در اشکال و شیوه های مختلف ادامه دارد.

در شرایط کنونی، بر متن تشدید فقر و فلاکت اقتصادی و در ماندگی رژیم در مقابله با احتمال ورشکستگی مالی، فروپاشی اقتصادی و ناتوانی در کنترل بحران های همه جانبه ای که به آن گرفتار آمده و در حالیکه هیچ چشم اندازی برای بهبود شرایط زندگی مردم وجود ندارد و کشتار و جنایات رژیم در جریان خیزش آبان نیز نتوانسته جامعه را مرعوب کند، مبارزات کارگران، معلمان، بازنشستگان و دیگر اقشار محروم جامعه بطور اجتناب ناپذیر گسترش پیدا خواهند کرد و خیزش های نیرومند تری در افق قرار دارند.

از سوی دیگر اکنون در کشورهای لبنان، سوریه و عراق هم زنگ های خطر برای جمهوری اسلامی به صدا در آمده اند. رژیم جمهوری اسلامی همواره از مداخله گری های خود در کانون های بحران در منطقه و سازماندهی گروه های میلیشیای تحت نفوذ خود در این کشورها به عنوان ارکان یک استراتژی تعرض بازدارنده تأکید می کرد و در رودروئی با مردم معترض ایران و رقابت با رقبای منطقه ای از آن به عنوان نشانه های اقتدار خود سخن می گفت. اکنون توده های مردم معترض و به پا خاسته از هر سو سیاست های ارتجاعی و مداخله گری های ویرانگر جمهوری اسلامی را به چالش کشیده اند. خیزش های انقلابی در عراق و لبنان با جهت گیری ضدیت با مداخله گری جمهوری اسلامی نقطه عطفی در روند شکست استراتژی تعرض پیش گیرانه این رژیم است و کشتن قاسم سلیمانی فقط نقطه ای در این روند بی بازگشت است.

خیزش آبان و جایگاه و نقش غیر قابل انکار آن در ارتقاء مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی و روند تکاملی و منحنی مبارزات کارگری و جنبش های اعتراضی، نشانگر آن

اعتصابات سراسری و پر قدرت خود نه تنها جنبش های پیشرو اجتماعی را با خود همراه کند بلکه ذهنیات و روحیات اقشار خورده بورژوا را به نفع انقلاب اجتماعی دگرگون نماید. خیزش دی ماه ۹۶ با پایان دادن به سلطه استراتژی اصلاح رژیم و خیزش آبان ۹۸ با نقد کوبنده استراتژی گذار مسالمت آمیز از جمهوری اسلامی که اقشار خورده بورژوا و طبقه متوسط پایگاه اجتماعی آن بحساب می آیند گام مهمی در این راستا بود. اما این کافی نیست. جنبش کارگری باید بتواند با حضور قدرتمند در صحنه سیاسی و در همبستگی با جنبش توده ای و خیزش های شهری اعتماد و امید اقشار خورده بورژوا به تغییر رادیکال و انقلابی به رهبری طبقه کارگر را برانگیزد. برای این منظور همچنین ضروری است که جنبش کارگری پرچم مبارزه برای تأمین مسکن، مبارزه علیه تخریب محیط زیست، رهائی زنان و رهائی ملیت های تحت ستم از ستمگری ملی و همه آزادی های سیاسی را در اعتراضات خود برافراشته کند. طبقه کارگر با دست بالا پیدا کردن در این رویاری ها است که می تواند اعتماد به نفس طبقات و باندهای حاکم را در هم کوبد، انسجام آنان را در هم ریزد و پیشروی جنبش کارگری و توده ای را تضمین کند.

اما وارد شدن به دوره انقلابی به خودی خود وقوع انقلاب و پیروزی کارگران و اقشار محروم جامعه را تضمین نمی کند. برای وقوع انقلاب پیروزمند که نظام جمهوری اسلامی را به زیر بکشد، طبقه کارگر به قدرت سیاسی برسد و متحول کردن بنیادهای مناسبات سرمایه داری را در دستور کار قرار دهد، علاوه بر زمینه های عینی و اجتماعی، باید طبقه کارگر یعنی موتور اصلی انقلاب به قدر کافی نیرومند باشد تا بتواند رسالت تاریخی خود را به انجام برساند. طبقه کارگر بدون سازمانیابی در تشکلهای طبقاتی و توده ای و احزاب و سازمانهای سیاسی کمونیستی خود و ایجاد تشکلهای و نهادهایی از نوع کمیته اعتصاب، کمیته کارخانه یا شوراهای که اعتصابات و مبارزات جاری کارگران را هدایت و رهبری کنند، نمی تواند ظرفیت های خود را برای رهبری جنبش اعتراضی علیه جمهوری اسلامی به کار بگیرد.

در این دوره نباید تنها به دامن زدن به اعتراضات و اعتصابات کارگری و اعتراضات توده ای در هر زمینه ای که امکان آن وجود دارد اکتفا کرد، بلکه باید به هم مرتبط کردن و سراسری کردن این اعتصابات و اعتراضات را در اولویت فعالیت خود قرار داد. در همین ارتباط گرد آمدن رهبران و فعالینی که در کانون های داغ مبارزات کارگری در بخش های

تولیدی و خدماتی حضور دارند و از رابطه ارگانیک و زنده ای با کارگران در محیط کار و مبارزه برخوردارند در یک ظرف سازمانی مانند شورای هماهنگی یا همکاری می تواند نقش بسیار مؤثری در به هم مرتبط کردن و هماهنگ کردن اعتصابات و اعتراضات کارگری داشته باشد. در راستای ارتقای مبارزات توده ای تلاش برای ایجاد نهادها و تشکلهای توده ای و بخصوص شوراهای در محلات حاشیه نشین از اهمیت ویژه ای برخوردار است. بر فعالین حزب و فعالین سوسیالیست جنبش کارگری لازم است که انجام این وظایف کلان را در دستور کار خود قرار دهند.

در برابر روند این تحولات جمهوری اسلامی دست روی دست نخواهد گذاشت. نباید خطر سپاه پاسداران به عنوان نیرویی که اهرمهای اصلی قدرت مانند نیروی مسلح، اقتصاد، قدرت رسانه ای و نهادهای امنیتی و اطلاعاتی را در دست دارد و مانند یک حزب پادگانی عمل می کند و همدستی آن با ارتش را دست کم گرفت. سپاه پاسداران در پوشش گارد ویژه و نیروهای بسیج در مقابله با خیزش آبان بار دیگر ظرفیت های جنایتبار خود را نشان داد. کادر رهبری سپاه پاسداران با آگاهی به این واقعیت که جمهوری اسلامی با ساختار کنونی توانائی کنترل بحران های همه جانبه ای که به آن گرفتار آمده را ندارد، این ظرفیت را دارد که در صدد برآید با حذف و به حاشیه راندن زوائد دست و پا گیر در درون ساختار حکومت، قدرت را بطور کامل قبضه نماید و با نظامی کردن فضای سیاسی جامعه و به نمایش گذاشتن ظرفیت های خود برای سرکوب جنبش انقلابی، رضایت خاطر قدرت های امپریالیستی را نیز جلب کند. برای مقابله با این خطرات جبهه مبارزه و انقلاب باید بتواند با فراگیری و سراسری کردن اعتصابات کارگری و مبارزات توده ای و با اعتصابات سیاسی توده ای دستگاه سیاسی، اداری و اقتصادی حاکم را فلج کند. اعتصاب سیاسی توده ای در دوره ای که جامعه به اعتلای انقلابی نزدیک می شود می تواند انسجام صفوف نیروهای مسلح و حتی سپاه پاسداران را در هم کوبد و در میان آن شکاف ایجاد کند.

با کشتن قاسم سلیمانی تشدید تنش بین جمهوری اسلامی و دولت آمریکا وارد فاز جدیدی شد، هر دو سعی کردند که با حاکم کردن فضای جنگی بر عراق، ایران و کل منطقه اهداف ارتجاعی و سرمایه دارانه خود را پیش ببرند. رژیم جمهوری اسلامی که با تداوم خیزش انقلابی مردم عراق منافع خود در این کشور را در خطر می بیند می خواهد با بر

دی ماه ۱۳۹۸

ژانویه ۲۰۲۰





## گزارش برگزاری پلنوم هشتم کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

ژانویه ۲۰۲۰

کشمکش ها و در شرایطی که جهانی سازی تحت نظم نئولیبرالی به زیر سؤال رفته است در بریتانیا هم نه دولت محافظه کار و نه هیچکدام از احزاب اپوزیسیون نتوانستند در برابر دو راهی، ماندن یا ترک اتحادیه اروپا راهی بیابند که هم برای آن بخش از سرمایه داران و تجار انگلیس که از ماندن در اتحادیه اروپا و جهانی سازی نئولیبرالی منتفع هستند مفید باشد و هم برای آن بخش از سرمایه داران که قواعد جهانی سازی نئولیبرالی را بیش از این به سود سرمایه های خود نمی دانند. نهایتاً این جدال و کشمکش به سود آن بخش از طبقه سرمایه دار انگلیس تمام شد که بیش از این پایبند ماندن به همه قواعد جهانی سازی نئولیبرالی را به نفع خود نمی دانند و می خواهند از نو مناسبات اقتصادی خود را با بلوک های و دولت های مختلف سرمایه داری تعریف کنند. مشکلات بریتانیا با خروج از اتحادیه اروپا تازه آغاز می شود. بورژوازی و دولت بریتانیا به شدت نگران هستند که سکاتلند که خواهان ماندن در اتحادیه اروپا است راه جدائی و استقلال را در پیش گیرد. بر متن این اوضاع، تشدید رقابت قدرتهای سرمایه داری برای گسترش حوزه نفوذ در مناطق مختلف جهان و تجدید تقسیم جهان، جنگ های نیابتی و اقدامات شبه کودتاگرانه را دامن می زند و دود تشدید این رقابت ها و جنگ های نیابتی مستقیماً به چشم کارگران و مردم ستمدیده می رود.

\*\*\*

گزارش کمیته اجرائی و مباحث نشست وسیع کمیته مرکزی حزب به چرخه جدیدی از خیزش های توده ای و انقلابی به عنوان یکی از مهمترین روندهای جاری پرداخت. در همین ماهها و هفته های اخیر ما شاهد، قیام ها، خیزش های توده ای گسترده در شیلی، اکوادور، کلمبیا، پورتوریکو، لبنان، هائیتی، گینه، قزاقستان، عراق، ایران و کاتالونیا بوده ایم. تظاهرات ها و اعتصاب عمومی و تداوم جنبش جلیقه زردها به بخشی از واقعیت سیاسی فرانسه تبدیل شده است و گسترش این نوع شورش ها به دیگر کشورهای اروپایی را به یک امر محتمل تبدیل کرده است. در کشورهای شمال آفریقا تلاش فرماندهان نظامی برای دست به توده ای را کنترل نماید. در هند در همین ده روز اخیر بیش از ۲۵۰ میلیون کارگر و کارمند در اعتراض به سیاست های

آن زمینه که برتری دارند، محروم کرده است. اقدامات شدید آمریکا علیه مجتمع تولیدی مخابرات و ارتباطات "هواوی" که بزرگترین تأمین کننده جهانی تجهیزات برای شبکه های بی سیم است، و قرار دادن آن در فهرست شرکت هائی که مؤسسات آمریکائی تنها در صورت گرفتن مجوز دولتی می توانند با آن مبادلات تجاری داشته باشند، اقدامی است که بسیاری از مفسرین از آن به عنوان آغاز جنگ سرد آمریکا علیه چین نام برده اند. دولت آمریکا که با گسترش اعضای ناتو به کشورهای اروپای شرقی و تحریم های اقتصادی روسیه موجبات نگرانی دولت روسیه به عنوان یک تهدید بالقوه را فراهم آورده است، اما در رقابت بر سر کسب موقعیت هژمونیک در جهان چین را تهدید اصلی می داند. پیمان ناتو تحت رهبری آمریکا در اجلاس دوم دسامبر ۲۰۱۹ برای اولین بار از چین به عنوان یک تهدید نام برده است. رئیس دوره ای این پیمان نظامی ضمن اشاره به رتبه دوم چین به لحاظ بودجه نظامی و موشک های دوربرد آن که می تواند اروپا و آمریکا را هدف قرار دهد، اعلام کرد که این ما نیستیم که به آب های جنوب چین رفته ایم، بلکه این چین است که در آفریقا و اروپا سرمایه گذاری کرده است. رئیس پیمان ناتو با این سخنان آغاز دوره تازه ای از رقابت قدرت های بزرگ سرمایه داری برای تقسیم مجدد جهان را کلیک زد.

در برابر تشدید فشارهای آمریکا، چین هم طی اقدامی تلافی جویانه همچنان به لغو معافیت های گمرکی از بخش زیادی از کالاهای وارداتی از آمریکا ادامه داده است و دولت های اروپایی و کانادا نیز فشارهای آمریکا را با اقدامات متقابل پاسخ داده اند. اما به رغم تشدید جنگ تجاری بین چین و آمریکا و دیگر قدرت های رقیب، در عصر جهانی شدن سرمایه و به هم تنیده شدن منافع کمپانی های چند ملیتی، جنگ جهانی سومی در چشمنداز قرار ندارد. در این شرایط تشدید جنگ تعرفه ها نمی تواند مانع ادامه تجارت و سرمایه گذاری در بیرون مرزها و همینطور انتقال تکنولوژی و مهاجرت نیروی کار شود. با اینحال از آنجا که روند تجارت و تحرک سرمایه در فراسوی مرزها اجتناب ناپذیر به نظر می رسد و نظم و قاعده جهانی سازی زیر پا نهاده می شوند، مناسبات تجاری قدرت های سرمایه داری هر چه بیشتر به طرف نوعی هرج و مرج گرایش پیدا می کنند. بر متن این

پلنوم هشتم کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران منتخب کنگره دوازدهم صبح روز شنبه ۲۱ دی ماه ۱۳۹۸ برابر با ۱۱ ژانویه ۲۰۲۰ با سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت به نشانه گرامیداشت یاد جانباختگان خیزش آبان و رفیق اسماعیل تریک و همه جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم کار خود را آغاز کرد. در این پلنوم مطابق روال معمول از اعضای کمیته مرکزی کومه له نیز به عنوان ناظر برای شرکت در پلنوم دعوت بعمل آمده بود. بخش اول مباحث این نشست به گزارش سیاسی کمیته اجرایی و بحث پیرامون آن و سپس گزارش تشکیلاتی کمیته ها و ارگانهای مختلف تشکیلاتی حزب به پلنوم و بررسی این گزارش ها اختصاص یافت. تحلیل مهمترین روندهای جاری در جهان و منطقه و ارزیابی از خیزش انقلابی آبان و پیامدهای سیاسی آن محورهای اصلی گزارش کمیته اجرائی حزب به نشست کمیته مرکزی بودند.

در گزارش سیاسی تأکید شد، رقابت قدرت های بزرگ سرمایه داری آمریکا و چین که با جنگ تعرفه ها تشدید شد، اکنون وارد مرحله جدیدی شده است. هر چند جنگ تجاری آمریکا فقط به چین محدود نیست و اروپای متحد و کانادا را هم تحت فشار قرار داده است، اما دولت آمریکا از چین به عنوان یک تهدید بزرگ نام می برد و عملاً در مسیری گام نهاده تا با زیر پا گذاشتن قواعد و مقررات "دست و پا گیر" سازمان تجارت جهانی و جهانی سازی سیاست های سختگیرانه تری در برابر روند قدرت گیری اقتصادی چین در پیش گیرد. برای دولت آمریکا هم رشد اقتصادی شتابنده چین و هم قدرت گیری نظامی آن طی سه، چهار دهه اخیر نگران کننده است. سرعت رشد تولید ناخالص شهروندان در چین طی چهار دهه گذشته، سرمایه گذاری های عظیمی که در بخش صنایع راهبردی مانند ارتباطات، قطارهای سریع السیر، کشتیرانی و زیر ساخت سازی انجام گرفته، اختصاص بیش از دو درصد تولید ناخالص داخلی به پژوهش های فنی و علمی برای ارتقای بارآوری تولید و در این میان سرعت مدرنیزه کردن نیروی دریایی در سال های اخیر بیش از پیش موجبات نگرانی آمریکا را فراهم آورده است. دولت آمریکا برای مقابله با روند قدرت گیری چین ورود کالاهای چینی به آمریکا را به شدت محدود کرده و شرکت های چینی را از دستیابی به فن آوری خود در



اقتصادی دولت و واگذاری شرکت ها و موسسات دولتی به بخش خصوصی بزرگترین اعتصاب تاریخ جهان را رقم زدند. از سوی دیگر در برابر اثرات ویرانگر نظام سرمایه داری بر محیط زیست ما شاهد یک جنبش عظیم در دفاع از محیط زیست هستیم که نسل جوان در آن نقش برجسته ای دارد و هر روزه ابعاد جهانی تری پیدا می کند. جنبشی که می خواهد محیط زیست را بهبود یافته به نسل های بعدی واگذار کند.

بعد از جنبش های توده ای علیه جهانی سازی نئولیبرالیستی در سال ۱۹۹۹ که جنبش سیاتل نقطه عطف آن بود، جنبش اشغال وال استریت در سال ۲۰۱۲ و اعتصابات گسترده کارگری در برخی از کشورهای اروپایی که پیامد سه، چهار سال بحران و ریاضت اقتصادی بود و نقطه اوج آن در خیزش های توده ای در خاورمیانه و شمال آفریقا خود را نشان داد که دیکتاتورهای حاکم در تونس و مصر و لیبی را به زیر کشید و به سوریه، بحرین و یمن نیز گسترش پیدا کرد، خیزش های توده ای اخیر سومین چرخه اعتراضات توده ای در طی بیست سال گذشته هستند.

اگر چه در جهانی که بیش از ۴ میلیارد نفر به اینترنت و شبکه های ارتباطی سیار دسترسی دارند، بسیاری بر این باورند که گسترش شبکه های ارتباطی و اجتماعی نقش عمده ای در همزمانی این اعتراضات و خیزش های توده ای دارند، با اینحال نیروی محرکه اصلی این خیزش های توده ای را باید در جای دیگری جستجو کرد. شورش های سال ۲۰۱۹ پیامد گسترش شهرنشینی در جهان، رشد کمی کارگران و مزدبگیران و تشدید فقر و فلاکت اقتصادی بوده است. از سال ۲۰۰۰ سهم شهری جمعیت جهانی از ۴۷ درصد به ۵۶ درصد افزایش یافته است و ۱.۴ میلیارد نفر دیگر در مقایسه با دو دهه قبل در مناطق شهری زندگی می کنند.

بر اساس آمارها در حال حاضر حدود ۱.۸ میلیارد نفر در جهان مشغول کار دستمزدی هستند، یعنی طی دو دهه گذشته تاکنون جمعیت مزدبگیران ۶۰۰ میلیون نفر افزایش یافته است. از این رو نه تنها کمیت کارگران افزایش پیدا کرده بلکه بیش از گذشته در شهرها متمرکز شده اند. ترکیبی از کارگران و تهیدستان شهری نیروی محرکه چرخه فعلی شورش را تشکیل می دهند. فقط برای نمونه نیروی کار شهری در شیلی از ۳.۷ میلیون نفر در سال ۱۹۹۰ به ۷.۳ میلیون در سال گذشته افزایش پیدا کرده است، اکوادور از ۳.۳ میلیون در سال ۲۰۰۰ به ۵.۱ میلیون نفر در سال ۲۰۱۸ رسیده است. در حالی که جمعیت کارگران بیشتر شده و

شهرنشینی گسترش پیدا کرده قدرت تولیدی سرمایه داری، به لحاظ نسبی با رکود مواجه بوده است. رشد اقتصادی جهان در دوره رونق پس از جنگ دوم حدود ۵ درصد بود، اما این میزان در زمان بحرانهای دهه ۱۹۷۰ به حدود ۳ درصد کاهش یافت و اکنون به استثنای چین با ۶ درصد رشد اقتصادی در بقیه کشورها چیزی حدود ۲ تا ۲ و نیم در صد است.

درست در شرایطی که، شهرنشینی گسترش پیدا کرده و توقعات از زندگی بالا رفته، رکود سرمایه داری بیکاری را به یک معضل اجتماعی تبدیل کرده، بطوریکه در میان جوانان که نقش چشمگیری در این شورش های شهری دارند بیکاری از نرخ بالایی برخوردار است. در حالی که کمبود مسکن بیداد می کند، حاشیه نشینی گسترش یافته و در این مناطق حمل و نقل ناکافی و هزینه سرسام آور حمل و نقل عمومی، محیط های زیست آلوده و ناسالم، نبود خدمات شهری به مشکلات لاینحلی تبدیل شده اند.

به دین شرح در حالی که مزدبگیران و فقرا فقیر و فقیر تر می شوند، ثروتمندان ثروتمند تر می شوند. اگر در سال ۲۰۱۵ بنا به گزارش آکسفام ۶۲ نفر از میلیاردرها ثروت معادل ثروت ۳.۶ میلیارد نفر نیمه فقیرتر جمعیت جهان برخوردار بودند، در ژانویه ۲۰۱۷ همین مؤسسه خیریه اعلام کرد تنها ۸ نفر از ثروتمندان جهان، ثروتی معادل نیمه فقیرتر جمعیت دنیا را دارند. در واقع ثروت و دارائی نیمه فقیر جهان از سال ۲۰۱۰ تاکنون ۴۱ درصد کاهش یافته است. در خاورمیانه جایی که به کانون خیزش های توده ای تبدیل شده است فاصله فقر و ثروت از این هم عمیق تر است. همه داده ها بیانگر آن است که بر متن بحران ساختاری سرمایه داری، گسترش بیکاری که به یک پدیده ساختاری تبدیل شده است و فقر و فلاکت و تعمیق شکاف بین فقر و ثروت، بر پائی خیزش های توده ای و انقلابی با پیوندهای کوتاه به بخشی از واقعیات جهان امروز تبدیل شده اند. در جریان این خیزش های توده ای به دلیل تعرضات پی در پی بورژوازی و تضعیف سنگرهای سنتی قدرت طبقه کارگر، کارگران به رغم حضور غیر قابل انکارشان در این اعتراضات، اما نقش تعیین کننده در رهبری این اعتراضات نداشته اند. با این حال از آنجا که نقش کارگران در تولید اجتماعی به آنها قدرت جمعی در تقابل با سرمایه می بخشد، این موقعیت به ناگزیر کارگران را به سمت مبارزه جمعی سوق می دهد و در این روند به توانائی خود در تغییر وضعیت موجود و ضرورت سازمانیابی آگاه می شوند. اگر چه موج اخیر خیزش های توده ای انقلاب اجتماعی را در افق خود قرار نداده اند،

اما همین جنبش ها و خیزش های سیاسی توده ای زمینه را برای بیداری و آگاهی به ضرورت انقلاب اجتماعی را فراهم می آورد. در این روند اگر چه شکل گیری سازمانها و احزاب سوسیالیستی و انقلابی که ریشه در طبقه کارگر داشته باشند ضرورت پیشروی مبارزه است اما این تنها شرط پیروزی انقلاب اجتماعی نیست، بلکه استراتژی و سیاست سوسیالیستی می تواند نقش تعیین کننده ای در پیشروی مبارزه سوسیالیستی و شکل گیری ارگانهای قدرت کارگران و به چالش کشیدن ساختارهای سرمایه داری داشته باشد.

\*\*\*

پلنوم در مورد اوضاع خاورمیانه، بر مواضع تاکتونی حزب تأکید کرد. در مورد اوضاع عراق پلنوم ضمن تأکید بر جایگاه و اهمیت جنبش توده ای اخیر در سرنوشت مردم عراق، مداخله گری جمهوری اسلامی را بزرگترین خطری دانست که این جنبش حق طلبانه و انقلابی را تهدید می کند. رویدادهای چند هفته گذشته در عراق به روشنی نشان می دهند که جمهوری اسلامی می خواهد از طریق احزاب و گروه های شیعه و ملیشایی مسلح وابسته به خود، عراق را به میدان نزاع و کشمکش نیابتی با آمریکا تبدیل کند، تا از این طریق این خیزش توده ای را تحت الشعاع قرار دهد، نوک پیکان مبارزه مردم علیه حاکمیت فاسد سرمایه مذهبی در عراق را منحرف نماید و سرانجام آن را به شکست بکشاند. همزمان دولت آمریکا نیز در راستای اهداف و منافع امپریالیستی خود برای به بیراهه بردن این جنبش نقشه می ریزد. این تلاش ها در حالی است که بیش از سه ماه از خیزش انقلابی مردم عراق می گذرد و خواست سرنگونی حکومت مذهبی عراق و برکناری همه احزاب و نیروهای شریک در دولت و پایان دادن به مداخله گری های جمهوری اسلامی و دولت آمریکا به خواست و مطالبه اصلی تظاهرکنندگان تبدیل شده است. مردم عراق خیابان های شهرهای بزرگ را به میدان اعتراض و میدان التحریر بغداد را به دژ انقلاب تبدیل کرده و عقب نشینی هایی را به حکومت تحمیل کرده اند. این خیزش توده ای عراق با کشتار بیش از ۶۰۰ تن از معترضان و زخمی کردن و دستگیر کردن هزاران نفر هنوز نتوانسته اند مرکز بغداد را از کنترل معترضان خارج کند. مردم عراق خواهان روی کار آمدن دولتی برآمده از این قیام و خیزش انقلابی هستند. جنبش اعتراضی مردم عراق به رغم استقامت با شکوهی که از خود نشان داده و دستاوردهایی که کسب کرده و





گام هایی که در زمینه سازمانیابی این حرکت عظیم به جلو برداشته، اما هنوز نتوانسته در موقعیت آلترناتیو حکومتی ظاهر شود و به طرف گرفتن قدرت سیاسی خیز بردارد. در این تردیدی نیست که این جنبش در تداوم خود و با خنثی کردن نقشه هایی که برای به شکست کشاندن آن در جریان است می تواند بر این کمبودها غلبه خواهد کند.

بخش مهم مباحث پلنوم به خیزش آبان و پیامدهای سیاسی آن اختصاص یافت. در این مبحث زمینه های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی این خیزش انقلابی، جایگاه تاکتیک غافلگیر کننده رژیم و ابعاد قهر و کشتاری که جمهوری اسلامی در برخورد به معترضان بکار گرفت، واکنش توده های به پا خاسته، نیروی محرکه خیزش آبان و تأثیرات آن بر فضای سیاسی جامعه و صف بندی نیروها مورد بحث قرار گرفت. در این مبحث تأکید شد که به رغم جنایات و کشتاری که رژیم انجام داد نه تنها نتوانست جامعه را مرعوب کند و فضای ترس و وحشت را بر جامعه حاکم کند، بلکه این خود رژیم بود که به وحشت افتاد. خیزش آبان سمت گیری به طرف گذار انقلابی از جمهوری اسلامی را تقویت کرد و زمینه های مناسب تری را برای گسترش اعتصابات کارگری و جنبش های اعتراضی فراهم آورد. رژیم جمهوری اسلامی که زیر فشار جنبش دادخواهی مردم ایران قرار گرفته بود بعد از کشتن قاسم سلیمانی تلاش کرد با به راه انداختن کمپین سیاسی و تبلیغی ارتجاعی و جنازه گردانی خیزش آبان را به حاشیه رانده و آن را مختومه اعلام کند. اما جمهوری اسلامی در دستیابی به این اهداف ارتجاعی شکست خورد. بعد از سرنگون کردن هواپیمای اوکراینی توسط پدافند سپاه پاسداران و کشتار ۱۷۶ تن از سرنشینان آن و دروغپردازی سران رژیم حول آن دانشگاهها و خیابان های شهرهای بزرگ به میدان اعتراض و ابراز خشم مردم از این جنایات و دروغپردازی تبدیل شد و جمهوری اسلامی در نزد افکار عمومی جهان بیش از پیش رسوا شد. پلنوم سر انجام پیش نویس بیانیه ای سیاسی تحت عنوان خیزش آبان ۹۸ و پیامدهای آن را به تصویب رساند.

نشست وسیع کمیته مرکزی در بخش گزارش تشکیلاتی، گزارش فعالیت های کمیته تشکیلات داخل، تشکیلات خارج از کشور حزب، شبکه تلویزیون و رادیو حزب، دفتر روابط بین المللی و نشریه جهان امروز و ارگان شبکه های اجتماعی را مورد بحث و بررسی قرار داد و ضمن انتقاد از کمبودها بر جهت گیری فعالیت آینده این ارگانها و بویژه بر ضرورت هماهنگی بیشتر ارگانهای سیاسی و تبلیغی حزب تأکید کرد. نشست کمیته مرکزی در مبحث مربوط به تقسیم کار و آرایش درونی کمیته مرکزی، کمیته ها و ارگان های مختلف تشکیلاتی را ترمیم و یا در جای خود ابقاء نمود. پلنوم در بخش پایانی کار خود، بمنظور هدایت فعالیت های سیاسی و تشکیلاتی حزب در فاصله دو پلنوم، از میان رفقای کمیته مرکزی حزب که در لیست کاندیداها قرار گرفته بودند کمیته اجرایی مرکب از هفت تن رفقا: هلمت احمدیان، خسرو بوکانی، رئوف پرستار، نصرت تیمورزاده، حسن شمسی، محمود قهرمانی و صلاح مازوجی را انتخاب نمود

کمیته اجرایی حزب کمونیست ایران

۲۸ دی ماه ۱۳۹۸

باز هم در تقاطع راه ها به هم رسیدیم  
تو با چشمانی زهرآگین  
دستانی که از آنها خون می چکد  
دهانی با بوی تعفن چهل سال دروغ  
و قامتی همچون خرمنگس  
پوشیده در لباس ضد شورش  
نگهبان دزدی و اختلاس  
اعدام و شکنجه و زندان  
سرمایه و زور و ظلم و ستم  
و من در مقابل ات ایستاده ام  
با چشمانی پر از کین  
با دستانی خالی؛ ولی قدرتمند  
و دهانی که تف می کند به کل حکومت ننگین اسلامی تان  
با قامتی همچون شیر از قفس رهیده  
ایستاده ام اینجا  
قاطع  
جسور  
عصیانگر  
آماده برای رزم  
آماده برای فتح  
آماده برای رقص رهایی  
همچون جشن و پایکوبی سرخپوستان  
بر ویرانه های باقیمانده ی دشمنانشان.

ناهید وفایی

۱۳،۰۱،۲۰۲۰

## اطلاعیه کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

## در مورد نمایش یازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

اعلام کرده اند، که رژیم جمهوری اسلامی از هیچ جنایتی علیه مردم دریغ نکرده است. در شرایطی که مادران جان باختگان و جنبش آزادیخواهی در ایران پرچم دادخواهی علیه این رژیم سفاک را برافراشته اند و دادخواهی را از مسیر مبارزه برای به زیر کشیدن این رژیم دنبال می کنند.

بعد از خیزش های دی ماه ۹۶ و آبان ماه ۹۸ دیگر جایی برای مانور سیاسی و عوامفریبی های اصلاح طلبان حکومتی که در نمایش های انتخاباتی مردم را در برابر گزینه بد و بدتر قرار می دادند نیز باقی نمانده است. در جریان خیزش های انقلابی دی ماه و خیزش آبان ماه، اصلاح طلبان حکومتی در توجیه سرکوب عریان علیه مردم بپا خاسته از جناح اصول گرا و فرماندهان سپاه هیچ کم نیاوردند. نامه نگاری های سران جنبش سبز به خامنه ای و به زیر سؤال بردن شرایط و صفات رهبری وی با استناد به قانون اساسی و فراخوان مردم برای شرکت در نمایش انتخابات مجلس در راستای استراتژی نجات و اصلاح رژیم اسلامی است و هیچ ربطی به منافع مردم ندارد. مردم نباید بیش از این فریب اینها را بخورند.

## کارگران و مردم آزادیخواه!

اگر خواهان پایان دادن به چرخه کشتار شهروندان بی دفاع و به اسارت گرفتن آنان هستید؛ اگر خواهان پایان دادن به این همه دروغ پردازی هستید؛ اگر خواهان پایان دادن به فاجعه بیکاری، فقر و فلاکت اقتصادی و این همه مصائب و بی حقوقی ها هستید؛ اگر خواهان پایان دادن به ستمگری های ملی و مذهبی هستید؛ اگر خواهان پایان دادن به تخریب محیط زیست هستید، اگر خواهان پایان دادن به تبعیض و بیحقوقی زن و دخالت مذهب در حکومت و در زندگی خود هستید؛ اگر خواهان آزادی و برخورداری از یک زندگی مرفه و آسوده هستید به کارزار رسوا کردن مضحکه انتخاباتی مجلس جمهوری اسلامی بپیوندید. عزم قاطع خود را برای به زیر کشیدن رژیم سرمایه داری اسلامی نشان دهید. انتخاب واقعی کارگران و مردم تشنه آزادی در ایران سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و تحقق شعار نان، کار، آزادی و اداره شورائی است.

## سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

## زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

۲۵ دی ماه ۱۳۹۸ - ۱۵ ژانویه ۲۰۲۰

جنازه او و موشک پراکنی به پایگاه تخلیه شده آمریکا در عراق، خود فریبانه جشن "پیروزی بر آمریکا" را برپا کرد. پس از فاجعه سقوط هواپیما و قربانی شدن ۱۷۶ انسان به مدت سه روز با نیرنگ و دروغ پردازی حقیقت را قربانی کرد و افکار و احساسات انسانی مردم را به بازی گرفت. اکنون همین جمهوری اسلامی جنایتکار و دروغ پرداز که دستش تا آرنج به خون شهروندان آغشته است در اوج وقاحت از مردم می خواهد که با رفتن به پای صندوق ها، بر ادعای مشروعیت رژیمش مهر تایید بکوبند. مردم آگاه ایران بخوبی می دانند که آنچه به نام انتخابات در ایران تحت حاکمیت رژیم اسلامی طی چهار دهه گذشته جریان داشته است هیچگاه، کوچکترین ربطی به حق رأی و حق انتخاب آزادانه آحاد جامعه نداشته است. همه آنچه را به نام انتخابات آزاد به مردم قالب کرده است دروغی بیش نبوده است. در واقع کارزارهای نمایش انتخاباتی همواره عرصه کشمکش جناحها و دارودسته های رژیم اسلامی بر سر تقسیم قدرت و گرفتن سهم بیشتر از حاصل استثمار طبقه کارگر و توده های زحمتکش و غارت منابع و ثروت جامعه بوده است. رژیم اینبار که صدای پای انقلاب را شنیده است برای دادن آرایش جنگی به صفوف خود، برای مقابله با خطر انقلاب حتی به نمایندگان کنونی مجلس هم رحم نمی کند. رژیم اسلامی اینک به مجلس یکدست و گوش به فرمان سپاه نیاز دارد.

اکنون وقت آن است که دوره تدارک این نمایش مضحکه انتخاباتی را به میدان رسوا کردن هر چه بیشتر رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی تبدیل کنیم. نباید گذاشت که این رژیم از پیامدهای خیزش آبان ماه، کشتار مردم در مراسم رژه تابوت ها، فاجعه ساقط کردن هواپیمای مسافربری و کشتار انسانهای بی دفاع و دروغپردازی حول آن و این همه فقر و فلاکت و بی حقوقی هایی که به مردم تحمیل کرده جان سالم به در برد. اکنون زمان آن است که در هر شهر و شهرستانی نام نامزدهای این نمایش انتخاباتی را به عنوان کسانی که نامزد همدستی با عاملان کشتار شهروندان معترض هستند، به عنوان نامزد همدستی با جانیانی که خون جوانان عاصی از فقر و فساد حکومتی را به زمین ریخته اند، به عنوان همدستی با عاملان کشتار مردم و دروغ پردازی، به مردم معرفی شوند. اینها در شرایطی آمادگی خود را برای تبدیل شدن به پیچ و مهره های این حکومت

قرار است نمایش مضحکه یازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در دوم اسفند سال جاری برگزار گردد. مطابق روال همیشگی نمایش های انتخاباتی در نظام جمهوری اسلامی، شورای نگهبان که نیمی از اعضای آن از منصوبان علی خامنه ای هستند تأیید یا رد صلاحیت داوطلبان نامزدی در انتخابات مجلس را بر عهده دارند. بنا به گزارش رسانه های حکومتی، برای نمایش انتخابات پیشارو، شورای نگهبان ۵۰ تا ۶۰ در صد داوطلبان را رد صلاحیت کرده است. مطابق این گزارش ها اسامی بیش از صد تن از نمایندگان مجلس کنونی هم در فهرست رد صلاحیت شدگان هستند.

رژیم جمهوری اسلامی در شرایطی به استقبال برگزاری این نمایش انتخاباتی می رود که زیر فشار پیامدهای فاجعه ساقط کردن هواپیمای مسافربری توسط پدافند سپاه پاسداران که به مرگ ۱۷۶ نفر انجامید قرار گرفته است. پس از این فاجعه هولناک مردم مبارز ایران، دانشگاه ها و شهرهای مختلف ایران را به میدان اعتراض علیه این جنایت و دروغ پردازی و قیحانه حکومت اسلامی تبدیل کرده و شعار "جمهوری اسلامی نابود باید گردد" سر دادند. سران رژیم در حالی مهندسی کردن این نمایش انتخاباتی را در دستور قرار داده اند که برگزاری مراسم رژه تابوت ها در شهرهای ایران و عراق و افسانه پردازی در مورد قاسم سلیمانی با هدف به حاشیه راندن و مختومه اعلام کردن خیزش آبان و جنبش توده ای در عراق با شکست مواجه شده است. حکومت اسلامی در شرایطی به دوم اسفند نزدیک می شود که بحران عمیق اقتصادی و تشدید تحریم های بین المللی، رژیم را در آستانه ورشکستگی مالی قرار داده و جمهوری اسلامی نزد افکار عمومی در جهان بیش از پیش رسوا و بی اعتبار شده است.

رژیم اسلامی در شرایطی مضحکه انتخابات مجلس را تدارک می بیند که در جریان خیزش آبان ماه با اشرار و اغتشاشگر نامیدن معترضان خون ۱۵۰۰ تن از جوانان بستوه آمده از فقر و بیکاری را به کف خیابان ریخت، بیش از هزار نفر را زخمی کرد و حدود هشت هزار نفر را دستگیر و روانه شکنجه گاه نمود که هنوز از سرنوشت بسیاری از آنان خبری در دست نیست. رژیم اسلامی در حالی مردم را به پای صندوق های رأی فرا می خواند که بعد از کشته شدن قاسم سلیمانی و گرداندن



## اطلاعیه کمیته مرکزی کومه له درباره لزوم رسوا کردن نمایش انتخاباتی رژیم در کردستان

روشن سلب آن امنیتی هستند که به اعتبار حفظ آن بایستی به چنین انتخاباتی رضایت داد تا گویا وضع بدتر از این نشود. کسانی که به چنین توجیهات بدون پایه ای متوسل می شوند، سطح درک و آگاهی و تجربه مردم مبارز کردستان را دست کم گرفته اند.

کمیته مرکزی کومه له از همه مردم کردستان می خواهد که نه تنها در این نمایش انتخاباتی شرکت نکنند، بلکه فعالانه در کمپین رسوا کردن آن مشارکت نمایند. بگذار توده های مردم کردستان یکبار دیگر نمونه ای از اتحاد و یکپارچگی و استقامت، نمائی دیگر از جنبش انقلابی خود را به جهانیان نشان دهند. بگذار توده های مردم کردستان با عدم شرکت در این نمایش انتخاباتی، به همه مردم جهان نشان دهند که جمهوری اسلامی رژیم ناروایی است که تنها با توسل به زور و سلب آزادی و حقوق اولیه مردم حاکمیت خود را بر این جامعه تحمیل کرده است.

کمیته مرکزی کومه له

(سازمان کردستان حزب کمونیست ایران)

۲۹ ام دیماه ۱۳۹۸

۱۹ ژانویه ۲۰۲۰



ضد زن، ضد جوان، ضد شادی، ضد آزادی و دشمن انسانیت، با توسل به کشتار، شکنجه و زندان، با زور و سرکوب، خود را بر مردم این کشور تحمیل کرد.

جمهوری اسلامی و کارگزارانش می دانند که مردم کردستان در این نمایش شرکت نخواهند کرد. اما آنها برای پر کردن خلاء حضور مردم در پای صندوق های رای، علاوه بر تلاش برای بسیج مزد بگیران محلی، مطابق معمول بر تن شماری از نظامیان و پاسداران مستقر در کردستان لباس شخصی خواهند پوشاند و آنها را به یکی دو حوزه رای گیری، بویژه حوزه های مستقر در مساجد جامع شهرها می برند؛ و با تهیه فیلم و گزارش و چند گفتگوی ساختگی با آنها، از "حضور پرشور"، مردم سخن خواهند گفت. هر چند سال یکبار این نمایش تکرار می شود و جعلی بودن آن برای مردم آشکار است.

در این میان بعضی از افراد در میان اصلاح طلبان ورشکسته سیاسی، از ضرورت امنیت در جامعه سخن می گویند و شرکت کردن در انتخابات را انتخاب بین امنیت و ناآمنی در جامعه عنوان می کنند. اولاً، قبل از هر چیز باید گفت که نفس وجود جمهوری اسلامی به معنی سلب امنیت از اکثریت مردم این کشور در همه زمینه هاست. سلب امنیت شغلی از کارگران، سلب امنیت جانی از فعالین سیاسی و مدنی، سلب امنیت از زنان آزاده ای که تسلیم قوانین ارتجاعی رژیم نمی شوند، سلب امنیت از پیروان هر آئین و مذهبی که با اسلام تشیع، آنها را از نوع دوازده امامی آن، مغایر باشد، ناامن کردن محیط زیست انسانها، زیر خط فقر نگهداشتن بیش از ۶۰ درصد از مردم این کشور، اینها همه مصداق

مردم مبارز کردستان! جمهوری اسلامی مطابق روال سالهای گذشته در تدارک برگزاری نمایش مسخره دیگری بنام "انتخابات"، در روز دوم اسفند ماه، آتی است. اما این بار این نمایش در شرایط ویژه ای بر روی صحنه می آید. طی چهار سالی که از نمایش انتخاباتی دوره قبلی مجلس شورای اسلامی می گذرد، جمهوری اسلامی طی این مدت دو خیزش گسترده سراسری در دیماه ۹۶ و آبان ۹۸ را به خود دیده است. خیزشهایی که نه تنها مشروعیت رژیم، بلکه نفس حاکمیت آنها نیز نفی کردند. این درحالی است که در تمام این مدت اعتصابات و اعتراضات محلی و یا گسترده و سراسری، حتی برای یک روز هم متوقف نشده اند.

امروز خشم از رژیم جمهوری اسلامی و شرایط فلاکت بار اقتصادی که بر مردم این کشور تحمیل کرده است، در سراسر ایران موج می زند. این خشم عمومی بدون شک شامل حال همه آن کسانی هم خواهد شد که در چنین شرایطی، به هر شکلی بازیگر این نمایش باشند و یا به ابزار رونق بخشیدن به آن تبدیل شوند.

سخن بر سر غیردمکراتیک بودن پروسه انتخابات، دخالت "شورای نگهبان" و "ولی فقیه"، رد صلاحیت کاندیدها، تقلب در رای گیری و مواردی از این قبیل در میان نیست، همه اینها از بدیهیات "انتخابات" در طول حاکمیت جمهوری اسلامی بوده اند. مضمون واقعی اعتراض مردمی که خواهان "تان و کار و آزادی" هستند، بسیار از شرکت نکردن در یک انتخابات فرمایشی فراتر می رود. این انتقاد جناح های حاکم از یکدیگر است و ربطی به ضایع شدن حقوق مردم ندارد. حقوق اجتماعی مردم از زمانی پایمال شد که رژیم ضد کارگر،

تلویزیون کومه له

کومه له

حزب کمونیست ایران

از سایت های

حزب کمونیست ایران

و کومه له

دیدن کنید!

www.tvkomala.com

www.komalah.org

www.cpiran.org



خسرو بوکانی

## حداقل دستمزد سال ۹۹ کارگران در سایه اوضاع سیاسی پرتلاطم ایران

که نیازمندی های کافی زندگی طبقه کارگر از جمله مسکن مناسب، بیمه های بیکاری و تامین اجتماعی، تحصیل و بهداشت رایگان و کلا جبران نیازمندی های تلنبار شده طبقه کارگر طی دهه های اخیر و در یک کلام صعود طبقه کارگر و دیگر مزدبگیران جامعه به بالای خط فقر رخ نداده و عملی نشده باشد و قطعا این مهم از عهده سیستم سرکوبگر و استثمارگر حاکم بر نمی آید.

در شرایطی که بر اساس ارزیابی بسیاری از تشکل ها و فعالین مستقل کارگری خط فقر به رقمی بالاتر از ۹ میلیون تومان برای یک خانواده سه و نیم نفره رسیده است، ارگان های ضدکارگری رژیم درصددند تا با افزایش ۱۵ درصدی دستمزدها نهایتا حداقل دستمزدهای سال ۹۹ را در حدود یک میلیون و هشتصد هزار تومان تثبیت کنند و این به معنای نگه داشتن دستمزدها در محدوده ۵ بار زیر خط فقر است.

رژیم امسال نیز با اتکا به مصوبات ارگان زنگ زده و ضدکارگريش يعني "شورای عالی کار" قصد دارد که این سقف ازبی حقوقی و استثمارشدید را بر طبقه کارگرتحمیل کند. برهمگان واضح است که بنا به ماهیت ضدکارگری این شورا که تشکیل شده از ۳ نماینده کارفرمایان، ۵ نماینده دولت (ازچند سال قبل) و ۳ نماینده به اصطلاح کارگران که در واقع از اعضای تشکل های دولتی و زرد هستند و هیچ ربطی به طبقه کارگر ندارند و همچنین ساختار ضدکارگری این شورا در پیروی از قواعد سه جانبه گرایی که یکی از ارکان سازمان جهانی کار و به شدت سرمایه سالار و ضدکارگری نیز می باشد. این شورا به عنوان مباشر و کارگزار کارفرمایان و سرمایه داران و دولت عمل می کند و تصمیماتش کاملا در تضاد با منافع طبقه کارگر و در راستای تامین منافع سرمایه داران و ادامه روند استثمار شدید طبقه کارگر می باشد. در طول حیات این شورا سابقه نداشته که مصوباتش در راستای منافع کارگران باشد و به بهانه ایجاد فضای لازم برای به اصطلاح کارآفرینان و در واقع سرمایه داران و کارفرمایان و به اصطلاح شکوفایی اقتصادی و ایجاد اشتغال، شدیدترین نوع بی حقوقی را بر طبقه کارگر تحمیل کرده است. لذا یکی

از اهداف طبقه کارگر ایران در مبارزه علیه سیستم سرمایه داری اسلامی باید

پیدا کنند، تازه قدرت خرید مزد بگیران نسبت به سال ۹۶ و سالهای پس از آن نه تنها افزایش پیدا نخواهد کرد، بلکه در همان سطح خواهد ماند و این در حالی است که زمزمه هایی مبنی برافزایش ۱۵ درصدی دستمزدها برای سال ۹۶ از سوی دست اندرکاران رژیم به گوش می رسد و این به این معناست که کارگران و مزدبگیران به مراتب بیشتر از قبل به اعماق خط فقر پرت می شوند و قدرت خرید آنان و زندگی و معیشت شان بدتر و بدتر می شود.

واقعیت این است که هنوز آثار و عوارض افزایش بهای بنزین بر عرصه های گوناگون زندگی توده های مردم ایران بویژه کارگران و زحمتکشان بطور کامل نمایان نشده است و بدون شک در ماه های آتی شاهد افزایش شدیدتر تورم و گرانی بیشتر کالاهای اساسی و مورد نیاز مردم خواهیم بود. از هم اکنون کاملا قابل پیش بینی است که بانک مرکزی و مرکز آمار رژیم طبق رویه همیشگی شان با ارائه آماری قلابی و غیرواقعی از قیمت اقلام و کالاهایی که اتفاقا به ندرت در زندگی روزانه طبقه کارگر و دیگر مزدبگیران و توده های ستمکش کاربرد دارند، در ماه های پایانی سال سعی خواهند کرد که نرخ تورمی ساختگی و دروغین و با اختلاف زیاد از نرخ تورم واقعی را به جامعه و عوامل رژیم در شورای عالی کار، نقش و رسالت ضدکارگری خود را ایفا خواهند کرد و از این طریق دخالتگری شان را در سرکوب نیروی کار و انجماد بیشتر دستمزدها و خوش خدمتی به سرمایه داران و دولت و کارفرمایان به نمایش خواهند گذاشت.

غیرواقعی بودن نرخ تورم اعلام شده از سوی این نهادهای ضدکارگری هر ساله و بویژه در اوسط سال و با بالا رفتن شدید قیمت کالاهای خدمات عمومی بارها اثبات شده است. مضافا اینکه اکنون دیگر سالهاست که فاکتور تورم در تعیین حداقل دستمزدها به علت اینکه هم تورم اعلام شده ساختگی و مغایر با نرخ تورم واقعی است و هم به این دلیل اساسی که همسان سازی نرخ تورم با افزایش حداقل دستمزدها در یک سال بدون در نظر گرفتن انجماد چهل ساله دستمزدها، موضوعیت خود را از دست داده است و مشکلی از مشکلات عدیده طبقه کارگر و مزدبگیران جامعه را حل نخواهد کرد. لذا اتکا کردن به فاکتور تورم ساختگی از سوی رژیم بی اعتبار و مردود است. مادام

امسال در شرایطی که زمان تعیین حداقل دستمزدهای سال ۱۳۹۹ نزدیک می شویم که مؤلفه های مهمی از قبیل تورم حدودا ۴۳ درصدی در پائینامسال، افزایش ۳۰۰ درصدی بهای بنزین، وقوع خیزش شکوهمند آبان ماه و تداوم آن در اشکال متنوع، تداوم راهکار ضدکارگری سه جانبه گرایی از سوی شورای عالی کار رژیم در تعیین دستمزدها، طرح موضوع دستمزد منطقه ای از سوی عوامل رژیم با هدف ایجاد تفرقه در صفوف طبقه کارگر و تشدید سرکوب مزد کارگران شهرهای کوچک و مناطق حاشیه ای و... در روند تعیین حداقل دستمزدهای سال آتی نقش ایفا خواهند کرد.

همچنانکه قابل پیش بینی بود اقتصاد ایران در سال جاری ته تنها هیچگونه پیشرفتی را شاهد نبود، بلکه برعکس رکود شدیدتری را نسبت به سال های گذشته تجربه کرد و تشدید تحریم های بین المللی، اوضاع را وخیم تر کرد و هراس رژیم از ناتوانیش در تامین منابع بودجه سال آتی، برنامه ریزان رژیم را در سطوح بالای حکومتی به اخذ تصمیمات تنش زا از جمله افزایش سیصد درصدی بهای بنزین واداشت و این امر به نوبه خود بلافاصله تاثیراتش را بر قیمت کالاهای و خدمات اساسی مورد نیاز مردم بجا گذاشت و میزان تورم را حداقل ۴ درصد بالا برد.

باتوجه به تجاربی که مردم ایران در دوره های گذشته در زمینه افزایش بهای بنزین و سوخت و تاثیرات فوری و بلاواسطه آن بر کلیه عرصه های اجتماعی دارند، معلوم بود که این اقدام رژیم با واکنش سریع و اعتراضی مردم و بویژه کارگران و تهیدستان و مزدبگیران جامعه مواجه خواهد شد. بنابراین بی دلیل نبود که ظرف چند ساعت بیش از یکصد شهر کشور به فضای اعتراضی علیه کلیت حاکمیت فرو رفت و خیزش گسترده و شکوهمند آبان ماه رقم خورد. قابل تاکید است که افزایش بهای بنزین فقط جرقه خشم و کینه فروخته و تلنبار شده طبقه کارگر و مردم ستمدیده را زد و گرنه فقر مطلق و بیکاری گسترده و تورم و گرانی و دستمزدهای منجمد شده و فساد اداری و سرکوب و.. از دلایل اصلی خیزش آبان بودند که کماکان به قوت خودباقی هستند.

بر پایه آمار و ارقام ارائه شده از سوی تشکل ها و فعالین مستقل کارگری در صورتی که امسال دستمزدها حتی تا سقف ۴۵ درصد هم افزایش

➡ علیه این شورا و انحلال و نابودی آن باشد.

همزمان با این تلاش های دست اندرکاران تعیین دستمزد رژیم، نکته حائز اهمیت در تبلیغات و فعالیت هایشان که مانور زیادی نیز روی آن انجام می دهند، طرح دستمزد منطقه ای و تفکیک دستمزدها است. براساس این طرح کارگران شاغل در شهرها و شهرستان ها و مناطق حاشیه ای که در مقایسه با کارگران شاغل در مناطق پرجمعیت و شهرها و کلان شهرها هزینه های کمتری را بابت مسکن و خدمات و... پرداخت می کنند، باید بر اساس هزینه های سبد معیشتی منطقه ای دستمزدهای کمتری را هم دریافت کنند و این در شرایطی است که مابه التفاوت بهای مسکن و اجاره بها بین شهرهای بزرگ و کوچک را کارگران ساکن در شهرهای کوچک و حاشیه ای باید بابت عدم وجود امکانات پزشکی و بهداشتی و تحصیلی و اداری و... و مراجعات شان به مراکز استان ها و مرکز پرداخت کنند. شایان ذکر است که این تصمیم بانیان این طرح نه از سر دلسوزی و توجه بیشتر به طبقه کارگر شاغل در کلان شهرها، بلکه به خاطر تامین منافع بیشتر برای سرمایه داران و سرکوب مزدی کارگران شهرهای کوچک و مناطق حاشیه ای می باشد که بخش عظیمی از طبقه کارگر را شامل می شود. پرواضح است که یکی دیگر از نکات مهم این طرح ضدکارگری ایجاد شکاف و اختلاف در بین طبقه کارگر به زعم دست اندرکاران این پروژه ضدکارگری می باشد و بانیان این طرح با بهره گیری از تجارب ضدکارگریشان در زمینه خارج کردن کارگاه های زیر ۱۰ کارگر از شمول قانون کار، بن های کارگری و عائله مندی و غیره، درصدد ایجاد نوعی دیگر از تفکیک و تفرقه در صفوف طبقه کارگر هستند، ولی سرمایه داران و جیره خوارانشان باید بدانند که طبقه کارگر آگاه و انقلابی و فعالین رادیکال و پیشرو طبقه کارگر با مطالبه دستمزدهای بالاتر از خط فقر برای تمامی آحاد طبقه کارگر و با اتکا به تلاش و مبارزه در جهت تثبیت این مطالبه، توان این را خواهند داشت که این طرح ارتجاعی و ضدکارگری دست اندرکاران رژیم را نیز خنثی کنند.

بدون تردید یکی دیگر از مهم ترین عوامل تاثیرگذار بر تعیین حداقل دستمزدها، اوضاع سیاسی پرتلاطم کشور است که همگان از راست و چپ جامعه بر آن تاکید می ورزند. حقیقت امر این است که از دی ماه سال ۹۶ به بعد روند مبارزات اجتماعی در ایران رشدی تصاعدی داشته است و صرفا جنبه کمی این ارتقا جنبش مبارزاتی و مطالباتی آن قابل توجه



نیست بلکه بلحاظ کیفی نیز رشد چشمگیری داشته است. ارزیابی ها از خیزش های اجتماعی دی ماه ۹۶ و آبان ماه ۹۸ با توجه به خواست ها و مطالباتشان و بافت شرکت کنندگان در این خیزش ها، نشاندهنده ماهیت کاملاً ضد سرمایه داری آنها است. این خیزش های پرشکوه اجتماعی از لحاظ سیاسی شعارهای بسیار شفاف و پرمضمونی را مطرح کردند و مرزبندی قاطع خود را با دیدگاه های لیبرالیستی و بورژوازی و ناسیونالیستی و مذهبی به نمایش گذاشتند. از منظر اقتصادی با بیان درد و آلام و تبعیض و فقر و فاصله فاحش طبقاتی، اساس سیستم استثمارگر سرمایه داری مذهبی حاکم را به چالش کشیدند.

غیرقابل انکار است فضایی که خیزش های گسترده و تاثیرگذاری ماه و آبان ماه در آن امکان وقوع پیدا کردند بخشا حاصل فداکاری و مقاومت طبقه کارگر و مبارزات پرشمار کوچک و بزرگ کارگری در سالیان گذشته بوده است. واضح است که این مبارزات روزمره و متنوع طبقه کارگر در سالیان گذشته بود که فاکتور مهم ماشین سرکوب سیستم و به طبع آن فضای سرکوب و خفقان را به سخره گرفت و نیرو و انرژی دیگر جنبش های اجتماعی را تقویت کرد. نکته مهم و کلیدی در این بحث این است که خواست و مطالبه اصلی و جوهر اصلی مبارزات هر روزه و پرهزینه طبقه کارگر در سالیان اخیر برخلاف دیدگاهی که آن را تدافعی ارزیابی می کرد، همین موضوع دستمزدهای چندین بار زیر خط فقر، عدم پرداخت همین دستمزدها و دستمزدهای معوقه بود (ناگفته نماند که جدا از مبحث دستمزدها مبارزات طبقه کارگر ایران طی سالیان اخیر پیرامون مطالبات و محورهای دیگر نیز در جریان بوده است که توضیح مسئله در این مجال نمی گنجد).

واقعاً نیازی به استدلال نیست که طبقه کارگر ایران از عدم سازمانیابی و عدم شرکت گسترده و همزمان کارگران شاغل در صنایع بزرگ و کلیدی در این مبارزات سراسری رنج می برد و هنوز این فرصت را نیافته که در جایگاه واقعی خودش و در راس جنبش های مطالباتی و مبارزاتی حضور متشکل داشته باشد. (فاکت های اثباتی در این زمینه وجود دارند ) ولی این

قطعا به منزله کم رنگ بودن نقش طبقه کارگر در مبارزات جاری نیست. طبقه کارگر ایران به عنوان یکی از رزمنده ترین و سیاسی ترین بخش های طبقه کارگر جهانی علیرغم تمامی محدودیت ها و موانع سرراش در عرصه مبارزه طبقاتی حضور جدی دارد. اگر مقایسه سطحی پیرامون تفاوت های مزدی بین کارگران ایران و دیگر کشورها انجام دهیم، آشکار است که چه فاصله فاحشی بین حداقل دستمزدهای طبقه کارگر ایران با مثلاً طبقه کارگر آمریکا وجود دارد (فاصله ای در حدود ۱۸۰۰۰ دلار در سال) و یا کشورهای دیگر و این نمایانگر این است که طبقه کارگر ایران در این زمینه هم جزو ستم دیده ترین و استثمار شده ترین بخش طبقه کارگر جهان است و در واقع ظرفیت های بالای انقلابی گری و دگرگونی سازی را در خود دارد و در این زمینه هیچ چیزی برای از دست دادن ندارد.

در این رابطه است که مقوله دستمزد و مبارزه برای افزایش آن به عنوان یکی از محورهای مبارزه طبقاتی در شریط کنون ایران خودنمایی می کند. اگر از سویی شرایط سیاسی کنونی ایران به حدی متشنج و متحول است که بر مسئله دستمزدها سایه افکنده و در بسیاری از تجمع های اعتراضی شعارهای سرنگونی سیستم، نظیر "جمهوری اسلامی نابود باید گردد" و یا "جمهوری اسلامی نمیخواهیم نمیخواهیم" بر زبان ها جاری می شود و همین مسئله افزایش دستمزدها را تحت الشعاع خود قرار داده است، ولی از سوی دیگر شرایط سیاسی کنونی و حضور توده های معترض در مبارزات روزانه و تنگناهایی که رژیم در آنها گرفتار شده، فرصت مناسبی است که طبقه کارگر از این خواسته برحق و اساسی خود غافل نگشته و با حضور جدی تر خود در مبارزات جاری، مطالبه افزایش دستمزدها را به رژیم تحمیل کند.

همچنانکه در بالا به آن اشاره شد طبقه کارگر با مبارزات درخشان و پرداختن هزینه های سنگین در سال های گذشته نقش بسزایی در بوجود آوردن فضای سیاسی و مبارزاتی کنونی داشته است، ولی متأسفانه هنوز در عرصه دستاوردهای مادی از جمله افزایش دستمزدها به نتایج مطلوب دست نیافته است و تناسبی در این زمینه قابل رویت نیست و ایجاد تناسب در مبارزه و دستاوردها تنها و تنها از مسیر کمک به خود آگاهی و خود رهایی طبقه کارگر در مبارزه علیه سرمایه داری و از جمله مبارزه متحدانه و سراسری در جهت افزایش دستمزدها تا عبور از خط فقر میسر خواهد شد.



عباس منصوران

# ترهائی برای سازمانیابی هسته های سوسیالیستی

۱- شعار «نان، کار آزادی، خودگردانی شورایی!» از این گذار، مادیت می یابد.

۲- بذرهائی رویشی شوراهای کارگران هستند.

۳- یک سیستم سازی نوین است که به ضرورت عینی سازمانیابی و آگاهمندی نهادینه پاسخی مادی می دهد.

۴- هسته های کارگری-سوسیالیستی راهگشای پیوند مادی تئوری درون جنبش هستند. «... تئوری، تنها آن زمان به قهر مادی تبدیل می شود که توده ها را در برگیرد. تئوری زمانی توده ها را در بر می گیرد که سفسطه بازی را نشان دهد...» (کارل مارکس: سهمی به نقد فلسفه حق هگل - ۱۸۴۴)

۵- ضدهرژمونیت بوده و به شیوه شورایی، رهبری کننده اند.

۶- هسته ها... آموزش دهنده و آموزش یابنده اند یا به بیانی، نهادینه ساز «دانش مبارزه طبقاتی» درون طبقه کارگر هستند.

۷- شرایط حاکمیت استبداد، به صورت مخفی و متناسب با مجموعه شرایط سیاسی و امنیتی، سازمان می یابند.

۸- رهبری مبارزات کارگران را درون طبقه (یعنی به وسیله خود کارگران) سازمان داده و نهادینه می کنند.

۹- مبارزات هسته ها، شورآفرینانه و مبتنی بر خرد طبقاتی است.

۱۰- از الگو بردازی به دور بوده و بورکراتیسم و فرماندهی را بر نمی تابد.

۱۱- آنارکوسندیکالیسم، ولونتاریسم (اراده گرایی) و صنفی گرایی را مردود می شمارند.

۱۲- در مبارزه در برابر مناسبات مبتنی بر خرید و فروش نیروی کار، قانونیت و مشروعیت سرمایه را به چالش می گیرند.

۱۳- برخلاف تشکلهای صنفی- سنتی که در نظم سرمایه زمینگیر می مانند، هسته های کارگری-سوسیالیستی، سنگ بنای سازمان های پرولتری می باشند.

۱۴- با پراتیک خود، روشنفکران سوسیالیست را به درون طبقه کارگر سازماندهی کرده تا به همراه اعتلاء «آگاهی طبقاتی» به «خودآگاهی توده های مولد»، تبدلات اجتماعی را در مقابل بوروکراتیسم و نخبه گرایی، ایمن داشته و توانمند سازند.

۱۵- با نفی هرآنچه که مربوط به گذشته است یعنی شناخت و نقد

شهر و شهرک و حاشیه نشین، مرگ را در برابر خود دید، هراسید و لرزید. توده های کار و زحمت، آزمونی تاریخی یافت، اراده و نیروی مادی خود را تجربه کرد و در میدان و سنگر مبارزه سیاسی، دریافت که دیگر به هیچ جناح-باندی از حکومت دلبسته نیست و سرنگونی را شعار داد. این یک پیروزی درخشان این برهه از جنبش است.

خیزش نشان داد که از جانبازی در راه سرنگونی حکومت اسلامی، دریغ نخواهد کرد. اما دریغ از نبود رهبری مادی و نبود پیوند ارگانیک سوسیالیسم با جنبشی که در تاریخ ایران بی مانند است. اینک به اعتلا انقلابی نزدیک می شویم، این روند می تواند به ناگهان به شرایط انقلابی فراورید. پیداست که این نیروی بیش از ۷۰ میلیونی به خیزش برآمده، بدون آگاهی، سازماندهی، رهبری انقلابی و گزینه قدرت سیاسی، اسارت تاریخی دیگری در برابر دارد. باید پذیرفت که گزینه ی ضد انقلابی به جای گزینه انقلابی، موجودیتی مادی دارد. اگر جنبش انقلابی، به پاسخگویی این نیاز برنیاید، گزینه اسارت آور سرمایه، به پشتوانه تمامی امکانات سرمایه جهانی، ۴۰ سال مبارزه خونبار کارگران و تهری دستان شهر و روستا و سوسیالیست ها را در برابر چشمان حیران همه ما همانند سال ۵۷ مصدوره خواهد کرد. مسئولانه باید بی درنگ به جبران زمان از دست رفته به پاخاست. تاریخ و داوری اش هیچ درنگی را نمی پذیرد و نمی بخشاید. ما در یک برهه و یک جنگ عظیم طبقاتی و تاریخ ساز قرار داریم. باید با تمامی نیرو به پاسخگویی ملزومات پیروزی و نیازهای مبارزاتی برآیم. بدون پلان، نمی توان حتی به یک مسابقه فوتبال دوستانه پرداخت.

سازمانیابی هسته های کارگری-سوسیالیستی (\*) سنگری بتونی تونل ها و بنای سنگرهای این مبارزه طبقاتی است که باید سنگر به سنگر با حضور کارگران پیشرو و سوسیالیست ها، این شبکه ها گسترش یابند.

هسته های کارگری سوسیالیستی را می توان پلان سازمانیابی طبقه کارگر برای مبارزه ای پیروزمند و سلول های شبکه هایی نامید که کل طبقه کارگر را نمایندگی می کنند و پیوند و پوشش می دهند.

خودویژگی های همگانی و وظایف هسته های کارگری-سوسیالیستی:

بدون پیوند زنده ی سوسیالیسم با جنبش کارگری، هیچ راهی برای رهایی از بردگی سرمایه گشوده نمی شود. تاریخ خونبار جنبش کارگری از آغاز پیدایش خود تا کنون بیانگر دو سناریو سرخ و زرد می باشد. جنبش کارگری در آنجا به پیروزی دست یافت که با سوسیالیسم انقلابی در هم سرشته شد. جنبش، در آنجا با شکست و اسارت تا کنونی دچار شد که با سوسیالیسم انقلابی در پیوند نشد. پیروزی طبقه کار در یک انقلاب برای نخستین بار در اکتبر ۱۹۱۷ زمانی در روسیه به حقیقت پیوست که سوسیالیسم انقلابی و حزب کمونیست انقلابی، شوراهای کارگری و تهری دستان شهر و روستا و سربازان و ملوانان انقلابی و کمیته های کارگری در شرایطی ویژه با طبقه کارگر در پیوند ارگانیک بودند. همه این نهادهای طبقاتی در سوخت و ساز طبقه در تمامی عرصه های کار و پیکار و زندگی در تبادل تجربه و آگاهی و کارکرد، همانند یک سیستم از درون در هم تنیده شده بودند. اگر آلمان و فرانسه را مرکز جنبش کارگری-سوسیالیستی سال ۱۸۴۹ تا ۵۱ بدانیم، زمانی این جنبش در اروپا و به پیرو آن در تمامی جهان، به شکست و زردی گرایید و به وسیله سرمایه به یاری رفرمیسم و مکانیزم های اتحادیه گرایی و سندیکاهای صنفی و اکونومیسم (مبارزه اقتصادی) به گروگان گرفته شد که سوسیال دمکراسی منجی سرمایه گردید و کمونیست ها و جنبش سوسیالیستی از جنبش کارگری به دور افتادند.

در ایران، طبقه کارگر از دیماه ۹۶ تا کنون (آبان ماه ۹۸) روزی نیست که به گونه ای سراسری به افزون بر ۵۰۰۰ اعتصاب و همایش اعتراضی با رهبران و پیشاهنگان بالنده و محلی در محل کار و تولید و خیابان فریاد نزنند. جنبشی که از همان بهمن ۵۷ به خیابان آمد و پیوسته هزینه های تا پای جان و زندگی بخشید. رژیم به پشتوانه حکومت های سرمایه جهانی و کارگزاران بومی، با کشتار افزون بر ۱۰۰ هزار نفری دهه ۶۰ و جنگ ۸ ساله و اسلام سیاسی توانست تثبیتی نسبی یابد. شعار نان، کار، آزادی، خودگردانی شورایی! در دیماه ۹۶ و حضور میلیونی تهری دستان شهر و روستا در آبانماه ۹۸ حضور طبقاتی و جنبش ضد سرمایه داری و آمادگی طبقه کارگر برای پیوند با سوسیالیسم را فریاد می زند. در خیزش آبانماه ۹۸ رژیم با ۱۵۰ هزار نیروی ویژه و سرکوبش در برابر خیزش ۱۵۰

## جهان امروز

### نشریه سیاسی حزب کمونیست ایران

۱۵ روز یکبار منتشر می شود!

سرمدیر: هلمت احمدیان

زیر نظر هیت تحریریه

اگر مایلید جهان امروز را از طریق پست الکترونیکی دریافت دارید، آدرس خود را برای ما ارسال کنید.

halmatean@hotmail.com

\* جهان امروز تنها مطالبی که صرفاً برای این نشریه ارسال شده باشد را چاپ می کند.

\* استفاده از مطالب جهان امروز با ذکر ماخذ آزاد است.

\* مسئولیت مطالب با امضا "جهان امروز" تحریریه نشریه است.

\* جهان امروز در ویرایش و کوتاه کردن مطالب رسیده آزاد است. این امر قبل از چاپ به اطلاع نویسنده می رسد.

\* مطالب جهان امروز با برنامه "ورد فارسی" تایپ می شود و حداکثر سقف مطالب ارسالی سه صفحه آ ۴ با سایز ۱۲ است.

تماس با  
کمیته تشکیلات دلال کشور  
حزب کمونیست ایران

h.falain@gmail.com

تلفن، فکس و پیامگیر

۰۰۴۵۹۷۵۲۱۵۵۱  
۰۰۴۶۷۳۷۲۷۶۷۶۹  
۰۰۴۶۸۷۱۰۸۵۲۵

تماس با کمیته تشکیلات  
دلال کومه له (تکشر)

takesh.komalah@gmail.com

پرولتاریا به آزمون در آمد.

۲۳ - در ماههای پیش از انقلاب اکتبر در روسیه، کمیته های کارخانه با سازمانیابی هسته ها، پیشروتر از شوراهای هنوز متوهم اس آر ها و منشویک ها، امر انقلاب کارگری را رهبری کردند.

۲۴ - سامانیابی هسته های کارگری-سوسیالیستی- زمینه ساز ضروری برای تدارک جنبش نوین شورایی در راستای خودرهای طبقه کارگر می باشد.

۲۵ - به هم پیوستن این هسته ها، در تلفیق کار مخفی و علنی، و شرکت در مبارزات طبقه کارگر، شبکه های اجتماعی تاریخی ضروری مبارزه طبقاتی را سامان می دهد.

۲۶ - سازمان های انقلابی و طبقاتی کارگران، از این شبکه ها و از درون و بر بستر این کارزار طبقاتی سازمان می یابند.

۲۷ - احزاب و سازمان های سوسیالیستی موجود در پیوند با چنین هسته هایی اند که بدور از سکتاریسم، ارتباط مکانیکی و با پرهیز از هرگونه فرماندهی و هژمونی از بالا، در پراتیم مبارزاتی شرکت جسته و به صورت دیالکتیکی با جنبش کارگری پیوند می یابند.

\*\*\*

(\*) ایده کلی و عام هسته های کارگری سوسیالیستی، برای نخستین بار در سال ۱۹۹۸ از سوی بنیانگذاران شورای کار (کمون) مطرح شد. با کتاب اتحادیه های صنفی نهادهایی برای گذشته (عباس منصوران-۲۰۰۳) نظم یافته تر و در ۶ سپتامبر ۲۰۱۱ و ۵ دیماه ۱۳۹۸ ویرایش دوباره یافت.

۵ دیماه ماه ۱۳۹۸

۲۵ دسامبر ۲۰۱۹



➡ همه جانبه ماهیت جامعه طبقاتی، در «ضرورتی نمایان»، از این دانش نیرو می گیرند تا کهنگی ها و تثبیت شدگی ها را به مبارزه و دگرگونی بخوانند و به چالش بکشانند.

۱۶ - این نهاد طبقاتی (هسته ها) در نقد موجود از خود بیگانگی خانواده، خانواده کارگری را به کانون سوخت و ساز خویش و تبادلات سوسیالیستی فرا می رویند.

۱۷ - همراه با سمت و سوگیری به سوی کارگران پیشرو، با چرخش به سوی کار پیچیده و «تاریخی ضروری» بر خلاف اتحادیه گرایی، مباره طبقاتی برای لغو مالکیت خصوصی بر ابزار تولید را هدف می گیرد.

۱۸ - در پیوند با سوخت و ساز کارگران، دارای آن پتانسیل سازمانیابی است که «کارگران ساده» را تا سطح پیشروتر طبقه کارگر، فراکشیده تا توان دریافت های تئوریک به گونه ای به نسبت موزون در درون طبقه کارگر گسترش یافته و پایه مند شود.

۱۹ - تدارک سازمانیابی هسته های کارگری - سوسیالیستی، در راستای دستاورد خیزش خودآگاهانه شوراهای خودگردانی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کارگران، بهینه ترین تبادلات را در عرصه مبارزات کارگری پیشنهاد می کند.

۲۰ - هسته های کارگری- سوسیالیستی، به سان کارآمدترین راه کار و روش مندی سیستمی در سازمانیابی، حاکمیت شوراهای خودگردان و آگاه پرولتاریا را در سازماندهی «سوسیالیسم گذار»، در افق دارد.

۲۱ - تنها این گونه سازمانیابی است که استبداد ذاتی سرمایه را می شناسد و می شناساند و نشانه می رود.

۲۲ - در کمون پاریس و شوراهای بیکاران در پتروگراد و مسکو در سال ۱۹۰۵ و نیز در سال های آغازین انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ در روسیه پتانسیل و توان سازنده و آفریننده و کارکردهای انقلابی



صدیقه محمدی

## حضور چشم گیر زنان در خیزش توده ای اخیر، نوید بخش انقلاب است!

پس از اعتراضات دی ماه ۹۶ که خواست‌های اقتصادی طبقه کارگر، اقشار زحمتکش و جوانان مطرح شد، زنان و دختران با طرح مطالبات خود و دختران خیابان انقلاب وسیعاً به اعتراضات پیوستند و در رادیکالیزه کردن و هرچه توده ای کردن این مبارزات نقش چشمگیری ایفا کرده اند.

جنبش زنان اکنون به سازمانیابی توده ای و فرموله کردن مطالبات خود نیاز دارد و پیشروان رادیکال آن باید برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی در اتحاد با رهبران عملی سایر جنبش‌ها، بخصوص جنبش کارگری، برنامه، استراتژی و تاکتیک‌های مناسب اتخاذ کنند. هم در محیط زیست و کار با اعتصاب و سازمانیابی، هم در خیابان، همزمان و به شکل سراسری امر مبارزاتی مشترک خود را به پیش ببرند.

خواست‌ها و مطالبات زنان نباید در میان سایر خواست‌ها گم شود. در صورت پیروزی این خواسته‌ها نباید فراموش شوند، چرا تاریخ بارها نشان داده که زنان در انقلابات و جنبش‌های اجتماعی شرکت فعال داشته اند، اما بعد از پیروزی این خیزش‌ها دوباره به حاشیه رانده شده اند.

اوضاع و احوال زنان و طبقه کارگر بستگی به این دارد که کدام آلترناتیو حکومتی پس از سرنگونی جمهوری اسلامی سر کار بیاید. سرنگونی انقلابی رژیم و رهبری طبقه کارگر میتواند زنان را در دستیابی به حقوقشان بیش از هر گزینه دیگری یاری رساند و این در گرو آنست پس از سرنگونی برای تامین خواست‌های زنان گام‌های جدی و ریشه ای برداشته شود.

واقعیت این است که حاکمیت بورژوازی از هر شکل آن، نمی‌تواند به همه خواسته‌های زنان پاسخ بدهد، به همین دلیل ضرورت مشارکت زنان در تعیین شکل حاکمیت آینده تعیین کننده و سرنوشت ساز شده و همین فاکتور دلیل اصلی حضور زنان انقلابی و مبارز است که ماهیت این رژیم را از نزدیک شناخته اند و بجای رفراندوم و اصلاحات، از اعتصاب و انقلاب سخن می‌گویند و خودشان به همراه متحدین راستینشان می‌خواهند آلترناتیوی را بسازند که علیه هر گونه ستم و تبعیض

نامه می‌نویسند، تسلیم نمی‌شوند، افشاگری می‌کنند و بر سر خواست‌های خود پای می‌فشارند. در مبارزات و خیزش اخیر از آبان ماه امسال دیگر مطالبات زنان فقط صنفی نیست. بلکه در فاز بالاتری خواستار سرنگونی جمهوری اسلامی هستند و این خواست را اولین شرط برای رسیدن به سایر خواست‌ها



و مطالبات خود می‌دانند.

حضور جسورانه زنان بشکل گسترده در این اعتراضات، طرح شعار تا سازمان دادن این حرکت‌ها، نشانگر عزم جزم آنان برای سرنگونی انقلابی رژیم است. شعارهایی همچون: "نه شاه می‌خوایم، نه رهبر"، "مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر خامنه‌ای" و علیه سپاه پاسداران، علیه هر دو جناح حاکمیت نشانگر اینست که زنان دیگر توهمی به هیچ جناحی از حاکمیت ندارند و برای رسیدن به خواسته‌هایشان از کل حاکمیت عبور کرده اند.

حضور بدون حجاب زنان و دختران جوان در اجتماعات و اعتراضات بیشتر و بیشتر می‌شود. از همان آغاز سر کار آمدن رژیم تئوکراتیک در ایران پس از فرمان خمینی در اجباری شدن حجاب، زنان اعتراض کردند و گفتند ما انقلاب نکردیم تا به عقب برگردیم و طی این ۴۱ سال روزانه با این پدیده حجاب که برای حاکمیت ایران هویتی است، مبارزه و مخالفت کرده‌اند. طی این ۴۱ سال، حکومت با همه توان تلاش در خانه نشینی، بی‌حقوقی و انزوای زنان داشته و در مقابل آن، زنان هر روز بیش از پیش با حاکمیت و دخالت دین در دولت مخالفت کرده و با "بدحجابی" و ادامه تحصیل و نوشتن، فیلم و در عرصه نوشتاری و هنر و ادبیات و انواع راه‌های دیگر اعتراض خود را نشان داده اند.

مشارکت زنان در اعتراضات چند ماه اخیر در ایران بسیار وسیع و گسترده بود. حتی به اذعان رژیم، رهبری این "اغتصابات" بعهده زنان بوده است. این مسئله جای بحث و تعمق است. برای پیدا کردن علل این مسئله و بررسی دلایل آن، لازم است به نکات مهمی پرداخت که زمینه ساز این گستردگی است.

بیش از نیمی از جمعیت ایران را زنان تشکیل می‌دهند که ۴۱ سال است تحت قوانین شریعت و سرمایه داری در ایران، نصف انسان به حساب می‌آیند. ۴۱ سال تحقیر و بی‌حقوقی، مایملک مرد بودن، نداشتن حق کار، سفر، تحصیل، حق طلاق، حضانت و... در کنار سایر تبعیض‌ها و ستم و اختناق و سرکوب، کارد به استخوان زنان رسانده که دیگر قابل تحمل نیست.

زنان در قامت خود چون مادر، دختر، همسر، مجرد، متاهل، جوان، مسن، بازنشسته، سرپرست خانوار، شاغل، خانه دار، بیکار، پرستار، معلم و... در جنبش کارگری، جنبش دانشجویی، مادران خاوران، پارک لاله، دادخواهی، فعالین محیط زیست، حقوق کودک و سایر جنبش‌های اجتماعی در صف اول این مبارزات و اعتراضات قرار گرفته اند.

در اعتراضات اخیر اغلب شعارها از طرف زنان داده می‌شد و علتش هم همین تحقیر و خشونت سیستماتیک دولتی، اجتماعی و خانگی است که حاکمیت دینی مرد سالار طی این همه سال بر زنان تحمیل نموده است. زنان علیرغم تلاش‌های هم‌جانبه‌شان برای تحصیل و تلاش برای کار و استقلال اقتصادی متأسفانه هنوز موفق نشده‌اند از آپارتاید جنسیتی در ایران رها شده و به برابری و آزادی دست یابند.

ادامه تقسیم کار جنسیتی، کار بیرون و کار خانگی ستم و فشار دوگانه بر زن، علاوه بر بیحقوقی و اختناق و سرکوب، نگرش جامعه به زن، همزمان با دستمزد کمتر در مقابل کار برابر با مردان دیگر قابل تحمل نیست. بخش عظیمی از انرژی زنان صرف خشی کردن تبلیغات حکومت در مدارس و مدیا در شستشوی مغزی کودکان و نوجوانان می‌شود. بیش از چهار دهه است که فعالین رادیکال زنان اعدام، شکنجه و زندان می‌شوند و هم اینک آنقدر زندانی سیاسی زن داریم که نمی‌توان از چند تن نام برد بدون آنکه به همه آنان پرداخت. این زنان با روحیه مقاوم ایستادگی می‌کنند،

هلمت احمدیان

## "کودتا از پایین"

«مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه، چه رهبر!»، «نه فراندوم، نه اصلاح، اعتصاب، انقلاب!»

به روشنی در حرکت ها و شعارهای خیزش های اخیر در دی ۹۶ و آبان ۹۸ ماه، شاهد آن هستیم. رضا پهلوی خود می داند که آنچه از "پایین" روی می دهند نامش انقلاب است نه کودتا. همان انقلابی که سلطنت خاندانش را بریز کشید. او حامدانه با این نوع لفاظی ها و از این رهگذر می خواهد خود را به جنبشی در پایین بچسباند که نه تنها صاحب نیست، بلکه این خیزش ها مرزبندی روشنی بر قیم طلبی و موج سواری از نوع او دارد. وقتی مردم شعار می دهند "مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه، چه رهبر"، منظورشان این است که از حاکمیت های "ولایتی" و "شاهی" گذر کرده اند و افق حاکمیت از پایین و متکی به خود و شورایی را فراروی خود دارند و این استراتژی اگر چه مبارزه با حاکمیت سرمایه داری و مذهبی جمهوری اسلامی را در اولویت دارد، ولی دیگر از ترس "افتادن به چاله در چاه نمی افتد" و امید و توهمی به بدیل های دیگر سرمایه داری ندارد.

\*\*\*

فرا تر از پاسخ کوتاه بالا به یاوه گویی های اخیر رضا پهلوی، نکته ای که ممکن است مورد سؤال باشد این است که آیا اپوزیسیون چپ و انقلابی لازم است ادعاهای اپوزیسیون بورژوا را، که اکنون بطور واقعی بدیلی برای جمهوری اسلامی نیستند، همزمان با مبارزه اش با کلیت جمهوری اسلامی در دستور کار داشته باشد؟

علیرغم اینکه ما بر این باوریم که اپوزیسیون بورژوایی خارج از حاکمیت جمهوری اسلامی اکنون بدیلی محتمل برای رژیم نیستند، علیرغم اینکه منطق این را به ما می گوید که اولویت مبارزه هر نیروی رادیکال و کمونیستی در اوضاع و احوال کنونی باید مبارزه با رژیم باشد که نان و جان توده های مردم در ایران را فی الحال به گروگان گرفته است اما نباید این واقعیت را فراموش کرد که نیروهایی که ترسشان از انقلاب از خود رژیم کمتر نیست، می توانند

"بدیل" هایی همچون سلطنت طلبان و مجاهدین می توانند جایگزین رژیم جمهوری اسلامی شوند. شعارهایی از قبیل: «مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه، چه رهبر!»، «اصلاح طلب، اصول گرا، دیگه تمومه ماجرا»، «نه فراندوم، نه اصلاح از بغداد تا تهران، اعتصاب، انقلاب!»، «اصلاحات، فراندوم، رمز فریب مردم»، و .... از شعارهای بارز همه حرکت های اعتراضی در دور اخیر بوده است. توده های تهیدست مردم در تظاهرات های خود نشان داده اند که نیازی به "بدیل" های دست ساز و بی پایه و از بالا ندارند و گزینه مردمی و از پایین و شورایی خود را می طلبند.

گذر مردم از این نوع گزینه سازی های از بالا، تنها دلیل ناکامی و بی ربطی "پهلوی" چپ ها و نیروهای دیگر اپوزیسیون بورژوایی و پرت و پلا گویی آنها نیست، صاحبان این نیروها، که گاهگداری از طریق تریبون ها و تلویزیون هایشان به آنها میدان می دهند به خوبی می دانند که این نوع نیروها در اوضاع کنونی مترسکی بیش نیستند و تنها به عنوان اهرم های فشار برای رام کردن خود رژیم ارزش مصرف دارند. گزینه اصلی آمریکا و متحدینش برای مقابله با رادیکالیسم جنبش های اجتماعی، رژیم جمهوری اسلامی تعدیل شده و "سر عقل آمده ای" است که خود را با منافع آنها تطبیق سازد.

با این حال بجاست که عوامفریبی و کدهای عوضی این نیروها را متوجه شد و رسواترشان کرد. "ربع پهلوی" وقتی از "کودتا از پایین" صحبت می کند، منظورش اوباشان نوع شعبان بی مخ هایی است که در کودتای ۲۸ مرداد بر علیه مصدق توانستند پدر فراری او را به قدرت بازگردانند. اما اگر "حزب توده" نمایندگی آن زمان "چپ" جامعه را می کرد، اکنون اوضاع به گونه دیگری است و چپی رادیکال در بطن جنبش های اجتماعی در ایران رشد کرده و گفتمان و رویکردی کاملاً متفاوت دارد که ما

رضا پهلوی که بعد از کشتن قاسم سلیمانی سکوت کرده بود در مصاحبه ای به تاریخ ۱۵ ژانویه خواستار فشار حداکثری به رژیم جمهوری و حمایت بیشتر از مردم شد او همچنین روز بعد در موسسه هادسن در جواب اینکه آیا پدرش علیه مصدق کودتا کرد، بیان داشت که کودتا از پایین صورت می گیرد و نه از بالا!

هرچند این "ربع پهلوی"، در بورس آمریکا و متحدینش در شرایط کنونی نیست، هر چند سخنان او ربطی به خیزش تهیدستان جامعه ایران ندارد، ولی بجاست در همین پارگراف بالا، بر اساس نکات تاکید شده، بیان او را بیشتر روشن ساخت.

قاسم سلیمانی را آمریکا کشت و قاعدتا این امر می بایست مورد تایید "شاهزاده" باشد. اما او در این رابطه لب از لب نگشود و سکوت کرد. مخمضه و پارادوکس او این بود که از طرفی امیدش به آمریکاست و از طرف دیگر در این دوره از چراغ سبز دادن به سپاه پاسداران کم نیاورده است. او همچنین نمی توانست بمانند "فرخ نگهدار" و طیفی از اپوزیسیون لیبرال و بورژوایی رژیم، خواستار شرکت در مراسم تعزیه و سوگواری قاسم سلیمانی شود و همدردیش را با "سردار" از دست رفته سپاه نشان دهد و عمل آمریکا را محکوم کند، چون این امر هم با درخواست فشار حداکثری آمریکا و متحدینش به رژیم ایران همخوانی نداشت و در تعارض قرار می گرفت. از این رو صبر کرد که "آبها" از آسیاب بفتد و فرصت دوباره ای برای مطرح کردن خود بیابد. اما اگر این "مشکلات" و تعارضات سلطنت طلبان ربطی به ما ندارد، مضحک ترین نکته در بیانات ایشان ادعای "حمایت" از مردم است.

یکی از ویژگی های خیزش مردم محروم و تهیدست ایران، کارگران، زنان و دانشجویان و جوانان گذر از توهماتی است که گویا ناجی خارجی، اصلاح طلبان دولتی و غیردولتی یا

جنسیتی است.

اتحاد زنان ایران با سایر جنبش ها و شرکت آنان در همه عرصه های مبارزه هم شاهد دیگرست بر اینکه زنان مطالباتشان صرفاً صنفی نیست، بلکه چون سایر شهروندان علیه هر نوع بی عدالتی، ستم و استثمار و تبعیض هستند و خودشان به میدان آمده اند تا خواست هایشان را متحقق کنند.

چاره ای جز مبارزه نیست، اما این مبارزات باید هدفمند، متشکل و سازمان یافته به سمت توده ای شدن و سراسری شدن پیش برود. زنان حلقه رابط جنبش ها هستند و بخشی از جامعه هستند که بیشترین ستم، فشار و استثمار را متحمل می شوند و بهمین دلیل در صف اول مبارزات حضور فعال دارند و مشخصاً در قیام و انقلاب آتی ایران، نقش تعیین کننده ای خواهند داشت.

توجه به مطالبات زنان و حمایت از مبارزاتشان امر همه نیروهای برابری طلب و آزادیخواه است.



## اطلاعیه مشترک نیروهای کمونیست و چپ

### جنبش آبان ماه ادامه دارد! "جمهوری اسلامی نابود باید گردد!"

انقلابی با شعارهای روشن علیه کل حکومت از خامنه ای و روحانی تا سلیمانی و سپاه و اصلاح طلبان، این نمایش مضحک مذهبی - جنگ طلبانه مدفون شد و جامعه به ریل واقعی اش برگشت.

اعتراف جمهوری اسلامی به شلیک به هوایمی اوکراینی روزنه ای شد تا آتش زیر خاکستر دوباره شعله ور شود. مردم با هشیاری از موقعیت پیش آمده سود جستند و خامنه ای و کل نظام اسلامی را بعنوان مسببین جنایت علیه کارگران و زحمتکشان و مردم غیر نظامی مورد اعتراض قرار دادند. آبانماه مجددا برجسته شد، جانبازان آبانماه به رخ جنایتکاران کشیده شد، "کشته های آبان ۱۵۰۰ نفر"، "کشته ندادیم که سازش کنیم، رهبر قاتل رو ستایش کنیم"، "سلیمانی قاتله، رهبر شمش قاتله"، "جمهوری اسلامی نابود باید گردد"، جواب یکجائی بود به کل تلاشهای حکومت و طرفداران آن در داخل و خارج و مهر باطلی بود بر تلاشهای رژیم برای تغییر مسیر جامعه و کنترل اوضاع.

ما شش حزب و سازمان کمونیست و چپ، ضمن اظهار همدردی با بازماندگان تراژدی سقوط هوایما و جانبازان ۱۷۶ انسان بیدفاع اعلام میکنیم که خامنه ای و بالاترین مقامات جمهوری اسلامی بجرم چهار دهه نسل کشی، بجرم کشتار ۱۵۰۰ نفر از عزیزانمان در آبانماه ۹۸ و بجرم کشتار مردم عادی در واقعه اخیر باید محاکمه شوند. ما از مبارزات انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی قاطعانه حمایت میکنیم و خود را بخشی از این مبارزه برحق میدانیم. از نظر ما پایان دادن فوری به مصائب و مشقات دهها میلیون مردم ایران و منطقه در گرو سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و استقرار یک دولت انقلابی و کارگری است.

**سرنگون باد رژیم سرمایه داری**

**جمهوری اسلامی!**

**زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم!**

۲۲ دیماه ۱۳۹۸ - ۱۲ ژانویه ۲۰۲۰

امضا: اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت.

ما کمونیست ها همواره بر روندهای پایه ای سیاسی، بر سیر کشمکش طبقاتی، بر تناقض جامعه ایران با جمهوری اسلامی و بر وجود یک جنبش عظیم به زیر کشیدن این رژیم تاکید کرده ایم. دستکم از رویدادهای دیماه ۹۶ و اعتراضات توده ای کارگری ۹۷ و همینطور رشته قیام ها و خیزش های آبان ۹۸ و روند عینی اوضاع نشان می دهد که دوره ای به پایان رسیده و دوره جدیدی آغاز شده است. سرنگونی طلبی به بستر اصلی سیاست ایران تبدیل شد. آنچه امروز از تظاهراتهای توده ای در دانشگاهها و شهرهای ایران شنیده میشود، افق و سیاست جنبش انقلابی برای سرنگونی رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی است. کسی تردید نداشت که اکثریت عظیم مردم ایران از کارگر و زن و جوان و مردم محروم و منکوب شده، جمهوری اسلامی را نمیخواهند و این حکومت روی بشکه باروت نشسته است. اما تکرار شعار "جمهوری اسلامی نابود باید گردد" و "جمهوری اسلامی نمیخوایم، نمیخوایم" در چندین اجتماع و تظاهرات روزهای شنبه و یکشنبه ۲۱ و ۲۲ دیماه، یک دستاورد، یک پیشروی سیاسی برای مردم کارگر و زحمتکش و انقلابی است.

اجتماعات روزهای اخیر در عین حال اعلام شکست سیاست رژیم اسلامی بدنبال کشته شدن قاسم سلیمانی قاتل جوانان در ایران و عراق و سوریه است. جمهوری اسلامی آگاهانه کوشید با این واقعه و با تعطیل کردن کشور، فضای عزاداری و شهید پروری راه بیندازد، از "انتقام سخت" سخن گفت، آماده باش نظامی اعلام کرد و همراه با رسانه ها و جریانات ارتجاعی به فضا و تبلیغات جنگی دامن زد. همه اینها قرار بود جنبش آبانماه را مختومه اعلام کند و با اعلام شرایط اضطراری در مملکت، به تهاجم به حقوق و معیشت کارگران و شهروندان و سرکوب تحت "شرایط جنگی" توجیه دهد. واقعه تراژیک شلیک به هوایمای مسافربری و سقوط آن و قتل عام ۱۷۶ انسان بیدفاع، راه انداختن موج ریاکاری و دروغ بافی و نهایتا بعد از سه روز ناچار شدن به اعتراف به جنایت، موقعیت رژیم را بدتر و در موقعیت دفاعی تر و جامعه را در موقعیت تعرضی تر قرار داد. بمیدان آمدن مجدد دانشجویان و زنان و مردان

➡ در تندپیچهای که امر انقلاب مادیت می یابد، دوباره جان تازه ای بگیرند و نقش سوپاپ اطمینان را برای به انحراف کشاندن سیر وقایع ایفا کنند. تجربه انقلاب ۵۷ به ما نشان داد که چگونه قدرت های امپریالیستی با بوق و کرنا و جنگی تبلیغاتی و میدیایی بدیل های ضد انقلابی خود را به جامعه حقه کردند. نیروهای چپ و کمونیست نمی توانند منتظر روزی بشوند که این نیروهای کتتر و ضدانقلابی به خطری بالقوه تبدیل شوند و آنگاه "پوریسیون اپوزیسیون" بشوند. جدال آلتراتیوها واقعیت مبارزه طبقاتی است. نیروهای کمونیست به صرف اینکه طرفدار طبقه کارگر و محرومان جامعه هستند، نمی توانند گزینه سوسیالیستی را برای جامعه متحقق کنند، چون آنها تنها مدعی در میدان نیستند. نیروهای بخت برگشته بورژوا و ناسیونالیست هم کارشان فریب و به کج راه بردن مبارزات توده ای و اجتماعی است. انقلاب اکثر در روسیه اگر چه بعدها به کج راه کشانده شد، اما بهر روی یک شبه به وقوع نپیوست. بلشویک ها همزمان با مبارزه با تزار و ژنرال کورنیلف ها که در برکناری تزار، رهبری نیروهای وفادار به تزار را به عهده داشت و حتی دولت موقت بورژوازی کرنسکی هم به تهدید گرفته بود از مخاطرات اپوزیسیون بورژوازی تزار از قبیل "منشویک ها" و "اس ار" ها غافل نماندند و ....

در اوضاع خطر سیاسی کنونی که رژیم جمهوری اسلامی بیش از هر زمانی به چالش گرفته شده است و قدرت سیاسی به امر روز جامعه ایران تبدیل شده است و نابودی و سرنگونی رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی شعار روز حرکت های اعتراضی و خیزش اخیر است، بجاست که در کنار مبارزه ای همه جانبه برای امر سرنگونی، بدیل مردمی و شورایی و کارگری را بیش از پیش به گفتن خیزش های اجتماعی تبدیل کنیم و این کار زمانی میسر می شود که با توهم پراکنی و بی ربطی اپوزیسیون بورژوازی رژیم هم مقابله شود و افشا گردد.